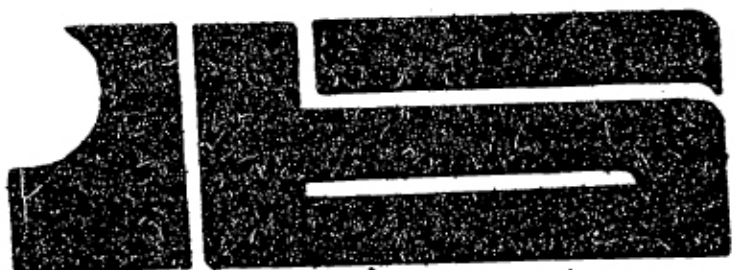


مرگ بر امپریالیسم
امریکا
دشمن اصلی خلق ما



چهارشنبه ۱۳ فروردین ۱۳۵۸

سال دوم - شماره ۵۲

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

۱۶ صفحه - قیمت ۲

ارتش و سپاه پاسداران با کشتار دسته جمعی زنان و کودکان بی دفاع روستای "قلهتان" "قارنا" ی دیگری آفریدند.

پیام نوروزی آیت الله خمینی چه کسانی را خشنود کرد؟

● پیام نوروزی آیت الله خمینی در مقایسه با زمانی که مرکز جاسوسی امریکا تسخیر شد، حاکی از چرخشی است که در سیاست و سمت گیری ایشان حاصل شده است.

پیام سوم آیت الله که به مناسبت نوروز فرستاده شد و سید احمد خمینی روز اول فروردین در بهشت زهرا آن را قرائت کرد مکمل دو پیام قبلی بود.

در هفته آخر سال ۵۸، آیت الله خمینی در دو پیام جداگانه، نخست حکم آزادی ساواکی ها و وابستگان رژیم سابق را صادر کرد و بعد بر نتایج انتخابات صحنه گذاشت

بقیه در صفحه ۳

توسط ارتش و پاسداران

فاجعه "قارنا" در "قلهتان" تکرار شد

همچون سال گذشته بهار زحمتکشان کردستان به خون کشیده شد

باشد تا با خیزش دگرگانه طبیعت، آرمان رهائی کارگران و زحمتکشان میهن، توانمندتر از گذشته تداوم یابد.

خلق کرد نیز با این امید که سال نو، سال شکوفایی آرمان رهائی اش باشد همچون سایر خلقها و زحمتکشان میهن بهار را استقبال کرد. اما

بقیه در صفحه ۵

ارتش و پاسداران در نخستین روزهای فروردین با تانک و مسلسل به دهکده "قلهتان" حمله کردند کودکان، زنان و مردان پیر روستا را زیر تانکها گرفتند و سپس برای محو جنایات خود با تیرپ دهکده را به کلی ویران ساختند.

زمنستان پایان یافت و در تب و تاب مبارزه ضد امپریالیستی توده های میهنمان بهار فرا رسید. مردمی که با قیام تاریخی یکدیگر شاد باش می گویند.

خود یکی از بزرگترین حماسه های دوران ما را آفریدند، بهار را با امید به پیروزی های هرچه بیشتر به یکدیگر شاد باش می گویند.

آرمان بنی صدر: پیام کارتر

در اخبار تلویزیونی روز شنبه ساعت ۹/۵ بعد از ظهر با سرعت تمام اعلام می شود که جیمی کارتر رئیس جمهور امریکا برای امام خمینی پیامی فرستاده است. در تمام مدت جریان پخش این پیام طولانی، تصویر "مهربان" جیمی کارتر در کنار تصویر آیت الله خمینی بر صفحه تلویزیون ظاهر می شود. کپکاه نیز تصویر "معصوم" روزالین کارتر به مردم نشان داده می شود.

در این پیام، از پیام نوروزی آیت الله خمینی به عنوان سندی که کارتر را خشنود ساخته است، ستایش شد. به محض پخش این پیام از رادیو - تلویزیون جمهوری اسلامی، کاخ سفید و شخص جیمی کارتر ارسال چنین پیامی را قویا تکذیب کردند. اینک چندروز است که بنی صدر و قطب زاده و سایر مقامات بر صحت این پیام پافشاری می کنند و کاخ سفید مرتباً وجود چنین پیامی را تکذیب می کند. اینها می گویند خود کارتر پیام را فرستاده، آنها می گویند ما از چنین پیامی هیچ اطلاعی نداریم. این بازیها هرچه باشد، ما اجرای پیام و چگونگی تهیه و

بقیه در صفحه ۲

اعتراضات وسیع مردم به انتخابات همچنان ادامه دارد

با بالا گرفتن موج اعتراضات توده های مردم به تقلبات و تخلفات انتخاباتی، دولت و شورای انقلاب ظاهراً پذیرفتند که هیئت ویژه و کمیسیونی برای رسیدگی به افتضاحات انتخابات تشکیل دهند.

ما معتقدیم که این هیئت ویژه نه تنها تقلبات را برملا نخواهد کرد، بلکه بر تقلبات بزرگ و آشکار هم سرپوش خواهد گذارد. اینان در کشف حقایق پشت پرده همانقدر مومن و معتمد خواهند بود که هیئت های بررسی از جانب رئیس جمهور حقایق مربوط به ترور رهبران خلق ترکمن را در اختیار مردم گذاشتند! در صفحه ۸

چرا خواست رئیس جمهور اطاعت کورکورانه از فرماندهان ارتش شاه است؟

ارتش بازمانده رژیم شاه که بخش عظیمی از ماشین دولتی بر خیزد و با احیای نظام سرکوبگر آن را تشکیل می داد، اطاعت کورکورانه، سازماندهی پس از تحمل ضرباتی که در پیشین اش را باز یافته و بر قیام شکوهمند بهمن نصیبت

بقیه در صفحه ۹

در این شماره:

- پیش نویس قانون جدید تأمین اجتماعی
- یازدهمین قانون تأمین اجتماعی رژیم شاه (تستار)
- نامه یک کارگر بیکار برای نشریه کار
- دولت و کمیته کارگران را روانه زندان می کنند!
- اقدامات ضد مردمی دادستان گنبد
- فنودالها و زمینداران بزرگ علیه دهقانان متحد می شوند
- رئیس جمهور و اوضاع مناسب!
- سیاست های گام به گام
- گام به گام شاه را
- به ایران نزدیک میکند

سرکوبگران خلق کرد، دشمن همه خلقهای ایران هستند

توضیح:

پیرامون انتشار جزوه‌های
حای بخشی از مذاکرات پلنوم سازمان

اخیرا قسمتی از مباحث نخستین پلنوم سازمان چریکهای فدائی خلق ایران با عنوان "درباره بحران درون سازمان چریکهای فدائی خلق ایران" انتشار یافته است.

در این رابطه توضیحات زیر را به سود جنبش کمونیستی ایران می‌شناسیم زیرا جریان‌های مخربی را که زیر پوشش مارکسیسم - لنینیسم به جنبش کمونیستی ایران خیانت می‌کنند افشا می‌کند و صفوف جنبش کمونیستی را پالایش می‌دهد.

۱- این جزوه توسط "حزب توده" که به شهادت سوابق ۴۰ ساله‌اش بدعت‌گذار شیوه‌های پلیسی و جاسوس پروری است بازپراگذاشته شدن عرف و سنت مبارزاتی بادورویی و دغلکاری به نام گروهی از هواداران سازمان انتشار یافته و توسط انتشاراتی‌های وابسته به این "حزب" در سطح جامعه به معرض فروش گذاشته شده است.

۲- صورت مباحثی که انتشار یافته کامل نیست ناشرین با حذف بخش‌هایی از در جنبش کمونیستی ایران مورد حمله قرار می‌داده سعی در مخدوش کردن سمت و جهت مباحثات نموده‌اند.

۳- بعد از تشکیل پلنوم سازمان تصمیم گرفت مباحث پلنوم را در سطح کل تشکیلات مطرح نماید. یعنی صورت جلسات کامل پلنوم علاوه بر اعضای سازمان در سطح هسته‌ها و محافل وابسته به سازمان نیز به بحث گذاشته شود و به این ترتیب با گسترش بحث‌ها زمینه تعمیق و گسترش دستاوردهای مباحث مذکور فراهم آید. سازمان در مورد برخی دیگر از بحث‌های ایدئولوژیک درون سازمانی نیز چنین روشی را اتخاذ نموده است. و این امر در اکثر بخش‌های سازمان صورت گرفت.

۴- با توجه به وضعیت عینی روابط هواداران جریان‌های سیاسی مختلف در سطح جنبش سازمان در همان زمان با طرح مباحث گفتارها در این سطح وسیع این امر را که عناصر دیگری نیز در جریان این مباحثات ایدئولوژیک قرار خواهند گرفت، امر فاقده

پلنوم فقط برای رفقائی لازم و قابل استفاده است که از قبل وسیع‌الدرجریان این موضوعگیری‌ها و بحث‌ها بوده‌اند و چاپ و انتشار آن ضرورتی نداشته است.

انتشار علنی صورت مذاکرات بدین شکل تنها می‌تواند مورد توجه عناصری باشد که قبل از آنکه به مبارزه ایدئولوژیک به معنای اصولی آن پایبند باشند در فرارضای کنجکاو‌های پلیسی و تمایلات جاسوس‌ها یا نه‌خویش بوده باشند. ما این عمل پلیسی را به شدت محکوم می‌کنیم و نسبت به عواقب عدم مبارزه پیگیر با این شیوه "توده‌ای‌ها" به همه گروه‌ها و سازمان‌های مترقی هشدار می‌دهیم. این اولین بار نیست که "حزب توده"

به چنین اقداماتی دست می‌زند "حزب توده" چندی پیش نیز به شیوه‌های پلیسی اسناد درون سازمانی "گوموله" را سرقت و دست به انتشار آن زده است. تربیت و پرورش جاسوسان سیاسی، دزدی اسناد و مدارک سیاسی سازمان‌ها، انتشار این اسناد با هدف تضعیف سازمان‌های سیاسی زیر پوشش‌های ریاکارانه، گسترش جو بی‌اعتمادی، سوءظن، کوشش‌های پلیسی برای نفوذ در تشکیلات سایر نیروها و خبرکشی و جمع‌آوری اطلاعات پلیسی از درون جریان‌های سیاسی شیوه‌ای است که دنبال شده و به اجرا گذاشته شده است. جعفریان‌ها، شهریارها، قریشی‌ها،

هوشنگ‌اسدی‌ها و دیگر جاسوسان شناخته شده و ناشناخته‌ای که در درون صفوف این به اصطلاح "حزب طراز نوین طبقه کارگر" فعالیت کرده و می‌کنند گوشه‌های از حرکت و حیات این جریان سیاسی روبه مرگ را به نمایش گذاشته است. ما برای مقابله با این روش‌های پلیسی نه تنها خود را ملزم می‌دانیم بلکه یک بار دیگر به همه نیروهای انقلابی و ترقیخواه، پیرامون سرقت‌های سیاسی و روش‌های پلیسی توسط این جریان ورشکسته هشدار می‌دهیم و اعلام می‌داریم که جنبش انقلابی موظف است برای مقابله با این تلاش‌های پلیسی تدابیر لازم را اتخاذ نماید.

آرمان بنی‌صدر: پیام کارتر

بقیه از صفحه ۱

اما تکذیب‌نامه کارتر، مانور سیاسی سازشکاران و کارگزاران سیاست "گام به گام" به سوی آمریکا را موقتا با اختلال روبرو می‌سازد و سیاستی که می‌کوشد از هر فرصتی برای نزدیکی به "غرب" بهره جوید با دشواری تازه‌ای روبرو می‌شود.

همانطور که گفتیم کارتر نمی‌تواند در آستانه انتخابات احساسات برانگیخته توده‌های عقب مانده آمریکایی را نادیده بگیرد. تکذیب پیام دشواری جدیدی در راه نزدیکی هرچه بیشتر شورای انقلاب با امپریالیسم آمریکا فراهم می‌کند. این حادثه برای همه احزاب و محافل سرمایه‌داری که در عمل بیشتری یافته‌اند، دلخراش است و ضربه بزرگی محسوب می‌شود.

شورای انقلاب و همه محافل و عناصری که برای فرونشاندن شور ضد امپریالیستی توده‌ها تلاش می‌کنند و می‌خواهند مبارزات ضد امپریالیستی مردم را به درگیری میان صفوف مردم بدل سازند، از این حادثه به شدت ناخشنود و سرافکنده‌اند. سازش و نزدیکی هرچه زودتر با امپریالیسم آمریکا برای حیات سیاسی آنها حیاتی است.

آنها رشد سریع آگاهی و تشکل توده‌ها را می‌بینند. رشد نیروهای انقلابی و رویگردانی سریع توده‌ها را از سیاستی که برای حفظ نظام سرمایه‌داری روز به روز بیشتر از مردم دور می‌شود، می‌بینند و دوی درد بی‌درمان خود را نزدیکی هرچه بیشتر با امپریالیسم جهانی جستجو می‌کنند. مجریان این سیاست ماههاست که آشکارا سیاست دوستی با امپریالیسم آمریکا و دشمنی با دولت‌ها و نیروهای ضد امپریالیست را دنبال می‌کنند. مجریان این سیاست که می‌دانند در آینده‌ای نه چندان دور هیچ پایگاهی در میان مردم نخواهند داشت، با عجله به تقویت ارتش و ترمیم شبکه‌های جاسوسی ساواک روی آورده‌اند و در این راه فقط امپریالیسم جهانی است که می‌تواند یار و پشتیبان آنان باشد.

سیاست شورای انقلاب همان سیاست دولت بازرگان است با این تفاوت که می‌خواهد سیاست "گام به گام" را قاطعانه به پیش برد. این سیاست امروز با دانشجویان خط امام و با هر نیروی ضد امپریالیست و ترقیخواهی به دشمنی برخاسته است. این سیاست مصمم است. برای حفظ نظام سرمایه‌داری و فرونشاندن مبارزات ضد امپریالیستی توده‌ها ثمرات انقلاب مردم و ثمرات خون شهیدان را به پای امپریالیسم آمریکا بریزند. این سیاست همان سیاستی است که در برابر مبارزات درخشان توده‌ها و اتحاد عمل نیروهای انقلابی محکوم به شکست است.

ارسال آن هرچه باشد. چندان مهم نیست، آنچه اهمیت دارد، تلاشی است که شورای انقلاب، رئیس جمهور و وزیر خارجه برای عادی کردن روابط دیپلماتیک و فرونشاندن شور و احساسات ضد امپریالیستی مردم از خود نشان می‌دهند.

این است کاسه زیر نیم کاسه پیام کارتر. پیام اسرارآمیز کارتر محتوای مطلوب شورای انقلاب را در خود داشت و زمینه سازش با آمریکا بر سر تحویل شاه، سازش با امپریالیسم آمریکا بر سر جاسوسان آمریکایی، سازش با امپریالیسم آمریکا برای ابقای قراردادهای نظامی و تحویل گرفتن سلاح‌ها و قطعات یدکی مورد نیاز ارتش و خلاصه سازش با امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم

خارجی است. کارتر پیام امام، مقامات حکومتی به ویژه وزیر خارجه با محافل نزدیک کاخ سفید تماس می‌گیرند که هرچه زودتر از نکات "مطلوب" پیام استفاده کنند. رئیس جمهور بارها اعلام کرده بود که اگر آمریکایی اشتباهات خود را بپذیرد و تعهد کند که در امور ایران دخالت نمی‌کند (یعنی اگر امپریالیسم آمریکا اعلام دارد که از این پس امپریالیست نخواهد بود!)، ما می‌توانیم روابط معقول داشته باشیم. رئیس جمهور با این سخنان همواره تلاش کرده است در مردم این توهم را ایجاد کند که امپریالیسم آمریکا دیگر مثل گذشته عمل نخواهد کرد تا هر طوری شده، زمینه را برای عادی کردن روابط با آمریکا فراهم کند.

برای امپریالیسم آمریکا پیام آیت‌الله خمینی، موقعیت مناسبی را فراهم آورده بود که از آن به نفع خود بهره‌گیری کند و نتایج شورای انقلاب و آقای رئیس جمهور را اجابت نماید. اما از سوی دیگر کارتر در آستانه انتخابات ریاست جمهوری نمی‌توانست احساسات ضد خمینی آمریکائیان را که توسط وسایل ارتباط جمعی و خود حکومت آمریکا برانگیخته شده است، نادیده بگیرد.

مقامات ایرانی برای ارسال این پیام به سفارت سوئیس که روابط بسیار نزدیکی با کاخ سفید دارد، تماس می‌گیرند. سفارت سوئیس کار تهیه این پیام را به عهده می‌گیرد و همانگونه که از محتوای پیام کارتر معلوم است، سیاست مطلوب شورای انقلاب و رئیس جمهور در این پیام به وضوح منعکس می‌شود.

در پیام کارتر بر سیاست مشترک ایران و آمریکا علیه کمونیسم بین‌الملل و علیه دولت افغانستان تاکید می‌شود و پس از تعریف از دمکراسی آمریکایی چنین می‌گویند: "می‌خواهم جسارتا اعلام دارم که بد نظرم زمان و مکان واقعی نظام‌های سیاسی مربوطه ما به زیان ما دستورند."

پیام نوروزی آیت الله خمینی چه کسانی را خشنود...

بقیماز صفحه ۱

امام چه گفت؟

" ما با کمونیسم بین الملل به همان اندازه درستیزیم که با جهانخواران غرب به سرکردگی آمریکا "

هر روز که می گذرد بیشتر آشکار می شود که مهره های استخواندار امریکائی حساس ترین پست های حکومتی را در دست خود گرفته اند. سر رشته اقتصاد ما همچنان در دست امریکا است. طبقه سرمایه دار ایران که هم طرفدار امریکا و هم وابسته به امریکا است، جان مردم را به لب رسانیده است. گرانی و قحطی و بیکاری را آنها به مردم زحمتکش میهن ما تحمیل کرده اند.

فرماندهان شاهدوست و دست پرورده امریکا روز به روز جای پای خود را محکم می کنند. امپریالیسم امریکا از خارج و داخل برای سرکوب توده های ستمدیده ایران و تحکیم سلطه خویش بر میهن ما دست به هراقدامی می زند و همه دولت های ارتجاعی منطقه از پاکستان و عراق و عربستان گرفته تا مصر و اسرائیل همه متحدان دوشادوش ارباب خود امریکا، علیه مردم ما تدارک می بینند. سالهاست که کسانی که می خواهند چهره واقعی امپریالیسم و امپریالیستها را مخفی کنند و می کوشند تا با نهادن نام کمونیست ها در کنار نام

سرمایه داران از یک طرف برای سرمایه داران کسب اعتبار کنند و از طرف دیگر علیه کمونیست ها کسب دشمن سر سخت سرمایه داری و امپریالیسم هستند، که دوست واقعی مردم زحمتکش هستند، تبلیغات کنند. تاریخ و تمام شواهد تاریخی ثابت کرده است که دشمنی با کمونیست ها که تا آخرین قطره خون خود با شاه و امریکا جنگیده اند دشمنی با کمونیست ها که در صف مقدم جبهه خلق علیه امپریالیسم و همه مظاهر آن با تمام وجود خویش مبارزه می کنند، فقط و فقط به سود امپریالیسم جهانی به سرکردگی امریکا است. همین کمونیست ها بودند که گروه گروه به دستور امپریالیسم امریکا و تنها به جرم دفاع از منافع زحمتکشان و استقلال ایران به دست شاه جنایتکار اعدام می شدند و تا پای چوبه اعدام نیز فریاد بر می کشیدند: " زنده باد زحمتکشان - مرگ بر امپریالیسم - مرگ بر سرمایه داری " همین کمونیست ها هستند که امروز به دست باندهای سیاه و نوکران سرسپرده امپریالیسم امریکا شکنجه و حتی ترور می شوند. آیا گل سرخی ها و جرنی ها نبودند که برچم خونین مبارزه علیه امپریالیسم را در میهن ما در اهتزاز نگه می داشتند؟

آیت الله خمینی در پیام نوروزی شان عملاً جزئی شهید را با تهرانی جلاد، گل سرخی را با جلادان ساواک و ویتنام قهرمان را با امپریالیسم امریکا و خسرو روزبه را با تیمور بختیار مساوی و یکی دانسته اند.

کمونیست ها دشمنان شماره یک امپریالیسم هستند. هر رژیمی که با کمونیست ها دشمنی کرده بالاخره به دامن امپریالیسم افتاده است. در هیچ کجای دنیا رژیمی پیدا نمی شود که توانسته باشد بدون اتحاد با انقلابیون کمونیست مبارزه با امپریالیسم را به پیش برده باشد چه برسد به اینکه بخواهد با کمونیست ها دشمنی کند. تاریخ ثابت کرده است که تمام رژیم هایی که با کمونیست ها دشمنی کرده اند، رژیم هایی که کمونیست ها را سرکوب کرده اند و به جوخه اعدام سپرده اند، حتما حلقه نوکری امپریالیسم را به گردن انداخته اند. رژیم مصر و عراق هم

اکنون در جلو چشم ما هستند. آنها ضد کمونیست بودند و هستند و می بینیم که چگونه به دامن امپریالیسم افتاده و به چماق نفرت انگیز امپریالیسم در منطقه ما تبدیل شده اند. شعار " نه شرقی، نه غربی " یک شعار پیچ و بی معناست. " شمره تلخ این نوع تفکر در سالهای آینده روشن می گردد " خیلی ها این راه رارفته و آن را آزموده اند. مردم ایران از سرنوشت این رژیم ها پند خواهند گرفت و اجازه نخواهند داد شمره خون شهیدانشان لگدمال کسانی بشود که به انتظار به شمر رسیدن این سیاست ها نشسته اند.

استقلال و آزادی ایران و رهائی کارگران و دهقانان میهن ما در صورتی تامین خواهد شد که ریش امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا در میهن ما قطع شود و این شدنی نیست مگر با اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیست اعم از

● کمونیست ها دشمنان شماره یک امپریالیسم هستند. هر رژیمی که با کمونیست ها دشمنی کرده، بالاخره به دامن امپریالیسم افتاده است.

نیروهای مترقی ملی و مذهبی تا انقلابیون کمونیست. هرگونه نفاق افکنی میان این نیروها و تلاش در جهت سرکوب آنها بدون شک به سود امریکا و هموارکننده راه تحکیم سلطه امپریالیسم است.

امام در جای دیگر این پیام چنین گفته اند: " امسال سالی است که باید امنیت به ایران بازگردد و مردم شریف در کمال آسایش زندگی نمایند. "

مردم با مبارزات درخشان خود به پیروزی های بزرگی رسیده اند، کارگران تا حدود زیادی متحد و متشکل شده اند و شوراهای کارگری اختیاری خیلی از کارخانه ها را به دست گرفته اند. دهقانان در بسیاری از نقاط زمین ها را از جنگ اربابان و مالکان بیرون آورده اند. سربازان و درجه داران و افسران جزء آگاه شده و متحد در برابر فرماندهان ارتش ایستاده اند. و زیر بار اطاعت کورکورانه نمی روند، در برخی از مناطق زحمتکشان منازل و آپارتمان های سرمایه داران را تسخیر کرده اند، مردم برای پیروزی کامل خود و نابودی کامل سرمایه داری و سلطه امپریالیسم مبارزه خود را ادامه می دهند، کارگران و دهقانان به پایا خاسته اند تا اختیار همه کارخانه ها و زمین ها را به دست گیرند، مردم مصمم اند همه مظاهر سرمایه داری و استثمار را از میان بردارند. امروز مبارزات کارگران، دهقانان و همه مردم زحمتکش ایران علیه سرمایه داری و زمین داری در سراسر ایران جریان دارد. آیت الله خمینی در پیامشان مردم را از ادامه این مبارزات منع کرده اند. اما مردم عملاً دریافته اند که برای رهائی خویش و کسب حقوق عادلانه خود هیچ راهی جز ادامه این مبارزات ندارند.

امنیت برای کارگران و زحمتکشان چه مفهومی دارد؟

امنیت برای کارگران و زحمتکشان یعنی

استقلال ایران، یعنی کار، مسکن، آزادی، یعنی نابودی سلطه امپریالیسم، یعنی کارگران بیکار نباشند، یعنی مردم سلطه چپاولگران را نابود کرده باشند، یعنی کارگران حقوق خود را کسب کرده باشند و استثمار سرمایه داری را از میان برده باشند. یعنی فشار گرانی که نتیجه افزایش قیمت ها و نتیجه حرص سرمایه داران است جان مردم را به لب نرساند، یعنی وقتی راننده تاکسی تصادف کرد و یا فلان کاسب مرخص شد

خانواده اش را گرسنگی تهدید نکند، یعنی زحمتکشانی که سرپناهی نداشته اند، در منازلی که تسخیر کرده اند، باقی بمانند و کسی نتواند آنها را به عنوان ضد انقلاب از سرپناهشان بیرون کند یعنی زاغه نشینان و خانه بدوشان در آپارتمانها و شهرکهای که با گوشت و خون خودشان درست شده است، زندگی کنند، یعنی دهقانان زمین هایی را که روی آن کار می کنند در اختیار داشته باشند و زمین داران نتوانند بار دیگر زمین ها را از چنگ آنها بیرون بیاورند.

آری برای مردم امنیت وقتی به دست می آید که ریشه استثمار، بیکاری، بیماری، بیسوادی، خانه بدوشی و از میان رفته باشد.

اما امنیت برای سرمایه داران و زمین داران یعنی این که مردم را بچاپند و کسی نفشاش بیرون نیاید. همه خفه شوند، یعنی میلیون ها نفر از مردم ما بیکار باشند اما هیچ کس جرأت نتق کشیدن نداشته باشد، یعنی زمین داران بتوانند زمین ها را از چنگ دهقانان بیرون بیاورند، یعنی زمین داران مبارزات دهقانان را سرکوب کنند، یعنی سرمایه داران مبارزات کارگران را سرکوب کنند، یعنی سربازان و درجه داران کورکورانه از فرماندهان اطاعت کنند تا در فرصت مناسب بشود زحمتکشان را به خاک و خون کشید، یعنی این که ایران را مثل زمان شاه بچاپند، مردم را سرکوب کنند، همه را اسیر کنند اما آب از آب تکان نخورد. یعنی هر کس اعتراض کرد، به عنوان مخل نظم دستگیرش کنند و اگر خیلی " مزاحم " بود، سرش را زیر آب کنند. این است معنی امنیت برای سرمایه داران و استثمارگران.

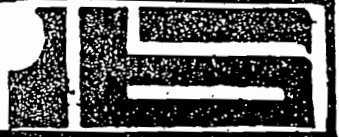
معلوم است که مردم کدام امنیت را میخواهند و طبقه سرمایه دار و محافل وابسته به آن برای به راه انداختن سرمایه های خود و کسب سود هر چه بیشتر و به جیب زدن همه ثمرات کار زحمتکشان و همه درآمدهای نفت ایران، کدام امنیت را می خواهد.

امنیت اولی را که خواست زحمتکشان است، فقط خود مردم می توانند برقرار کنند. فقط کسانی می توانند برقرار کنند که معنی بیکاری، گرسنگی، بی خانمانی و گرانی را می فهمند و استثمار و ستم سرمایه داری را با گوشت و پوست و خون خود لمس می کنند. این امنیت را شورای مردمی که باید در کارخانه و روستا و ارتش و هر جای دیگر تشکیل شوند، می توانند برقرار کنند.

امنیت دومی که خواست سرمایه داران است، با زور به دست می آید و فقط ارتش و پلیس و ژاندارمری و سازمان امنیت می توانند برقرار کنند. این امنیت را ظهیر نژادها، فلاحی ها و سایر نوکران شاه برقرار می کنند. این امنیت برای مردم کمال ناامنی و بی نظمی است. سرمایه داران و زمین داران و فرماندهان ارتش می خواهند هر چه زودتر و به هر ترتیبی شده، جلوی رشد آگاهی توده ها و رشد نیروهای

بقیه در صفحه ۴

سبج مسلح توده ها ضامن پیروزی خلقهای ماست



پیام نوروزی آیت الله خمینی ...

بقیه از صفحه ۳

ارتش از مردم جدا باشند، از درد مردم بی خبر باشند، سربازان درجه داران و افسران جزو زحمتکشانی نشوند، چون در غیر این صورت به روی زحمتکشانی آتش نمی کنند، چون در غیر این صورت به مزدور سرمایه داران بدل نمی شوند.

چرا به جای اعتماد به سربازان و درجه داران و افسران جزء میهن پرست که از صمیم قلب دشمن شاه و امپریالیسم آمریکا هستند و در عمل هم به اثبات رسانده اند. امروز به ظهیرنژادها فلاحی ها باقری ها، شاکرها و سایر نوکران شاه اطمینان می شود؟ چرا عدم اطاعت از این فرماندهان را بی نظمی و نا امنی می گویند؟ چرا درجه داران و افسران میهن پرست ضد انقلابی شده اند اما کسانی که سینه مردم را سوراخ سوراخ می کردند و می کنند انقلابی و حافظ امنیت از کار درآمده اند؟ چرا قاتلین هفتاد هزار شهید باید هنوز در راس ارتش باشند؟ چرا درجه داران، سربازان و افسران میهن پرست باز هم باید به همان مقرراتی گردن نهند که تیسارهای ارتش شاه طبق همان مقررات هفتاد هزارتن از جوانان ما را کشتند و صدها هزار نفر را زخمی کردند؟

بند پنجم پیام می گوید: "مردم هر شهر به محض اطلاع از اعتصاب هر کارخانه خود را به آنجا برسانند و ببینند آنان چه می گویند. باید ضد انقلاب را شناسائی و به مردم معرفی نمایند. مردم شریف ایران دیگر نمی توانند حقوق بی جهت به عده ای از خدایی خبر بدهند." و بندهفتم نیز می گوید: "هرکس در هر اداره ای خواست اخلال کند، او را اخراج و به ملت معرفی نماید."

اینها عین کلماتی است که در پیام آمده است در اینجا طوری صحبت شده که گویا هر کارگر

انقلابی را بگیرند، مادام که مردم به مبارزه، درخشان خود برای نابودی سلطه سرمایه داری و امپریالیسم ادامه می دهند، برای سرمایه داران، برای زمین داران امنیت وجود ندارد. از این رو است که آنها می خواهند امنیت لازم را برای کسب سود، برای درین کشیدن مردم و برای غارت و استثمار بی حساب خود تامین کنند.

در پیام نوروزی آمده است هرکس در ارتش اخلال کند و یا اعتصاب راه بیندازد و یا کم کاری کند، باید شدیداً مواخذه شود "من دیگر بی نظمی در ارتش را به هیچ وجه تحمل نمی کنم. و هرکس در کار ارتش اخلال کند، بلافاصله به عنوان ضد انقلاب به ملت معرفی می شود تا ملت عزیز حسابش را با باقی مانده ارتش شاه جنایتکار روشن گرداند."

امام طوری صحبت می کند که گویا معترضین در ارتش جمهوری اسلامی همان "باقی مانده ارتش شاه جنایتکار" هستند. ما می پرسیم آیا پرسنل انقلابی ارتش که سوابق فصاحت بار فرماندهان ارتش جمهوری اسلامی را انتشار داده اند، که پرونده فرماندهان جنایتکار ارتش را افشا کرده اند و با اعتراض خود خواستار تصفیه آنها شده اند، "باقی مانده ارتش جنایتکار" هستند، یا همان تیسارهایی که هنوز تاج شاه روی دوششان است، که صدها جنایت کرده اند و به پادشاه آن از دست شاه درجه گرفته اند؟ مگر درجه دارانی که در دانشگاه تحصن کرده بودند چه می خواستند و چه می گفتند؟ آنها می گفتند: "مردم بهوش باشید، فرماندهان خائن در فکر کودتایند"

آنها می گفتند که فلاحی ها و علوی ها وابسته به امپریالیسم و دست پرورده ارتش جنایتکار شاه

● اعتراض طبقه کارگر، اعتراض انقلابی است. اعتراضی به حق است. این سیاست های شورای انقلاب است که مردم را به اعتراض واداشته، مردم ضد انقلابی نیستند. کسانی ضد انقلابی اند که مردم را سرکوب می کنند که صدای خلق را خاموش می کنند.

اعتصابی ضد انقلاب است و حقوق بی جهت می خواهد و به مردم توصیه می شود که حساب کارگران اعتصابی را برسند. چطور انتظار دارید کارگرانی که در زندگی خود بعد از سالها کار هنوز هم هیچ چیز ندارند به جز دو دست برای کار کردن برای سرمایه دار و اگر یک روز کار نکنند، زحمت نکشد گرسنه می ماند، حق ندارند علیه این نظام جابرانه سرمایه داری اعتراض کنند؟ چگونه انتظار دارید کارگرانی که از گرانی سرسام آور، از گوشت کیلوئی ۶۰ تومان، مرغ کیلوئی ۳۰ تومان، از قحطی و بیکاری جانیشان بر لب آمده، کارگرانی که از ولع و طمع سیری ناپذیر سرمایه دار جانیشان به لب آمده ساکت بنشینند، کارگرانی که به خاطر زدن حرف حق می خواهند از کارگاه اخراجشان کنند، کارگرانی که شورای واقعی تشکیل می دهند، کارگرانی که خواستار اخراج عناصر مشکوک و عوامل رژیم شاه و ساواک از کارخانه هستند و وقتی دولت و حکومت هم به هیچ وجه گوش به حرف آنها ندهد، حق دارند اعتراض کنند و باید اعتراض کنند. اعتراض طبقه کارگر اعتراض انقلابی است. اعتراضی به حق است. این سیاست های شورای انقلاب است که مردم را به اعتراض واداشته مردم ضد انقلابی نیستند. کسانی ضد انقلابی اند

هستند به همین خاطر اعتصاب کرده بودند. حالا کسانی که برای تصفیه ارتش از لوث وجود جنایتکاران دست پرورده رژیم شاه به اعتراض برخاسته اند و سربازان و درجه داران انقلابی که دیگر زیر بار ظلم و جور فرماندهان نمی روند و دیگر حاضر نیستند به روی مردم آتش کنند، ضد انقلابی، اخلال گر و باقی مانده ارتش جنایتکار شاه معرفی می شوند. سربازان و پرسنل انقلابی که در یادگان هاستند، هم خودشان را خوب می شناسند و هم نفر به نفر این فرماندهان را می شناسند. آنها خوب می دانند که باقی مانده ارتش جنایتکار شاه کیست! فرماندهان ارتشی یا سربازان و درجه داران انقلابی؟

آیا هر اعتصابی در ارتش بد است؟ آیا وقتی تیسار علوی ها در راس ارتش هستند، باز هم پرسنل مبارز ارتش نباید حق اعتراض داشته باشد؟ آیا پرسنل ارتش نباید بگویند: "مردم بهوش باشید، فرماندهان خائن در فکر کودتایند" آیا هرکس که به وجود طرفداران شاه و امپریکادر ارتش اعتراض کند، ضد انقلابی است و باید از ارتش اخراج شود؟

تمام تلاش طبقه سرمایه دار ایران و امپریالیسم آمریکا و شاه جنایتکار آن بوده است که توده های

که مردم را سرکوب می کنند که صدای خلق را خاموش می کنند. اگر از مردم بپرسیم خواهند گفت که طبقه سرمایه دار و حامیان سرمایه داری ضد انقلاب هستند. آنها که فقر، بیکاری و گرانی را به مردم تحمیل می کنند، ضد انقلاب اند نه کسانی که علیه ستمگری و استثمار مبارزه می کنند. کارگران و زحمتکشانی بهبود یافته اعتصاب نمی کنند. علت اعتصاب و کم کاری مقرراتی است که می خواهد مثل گذشته حقوق دمکراتیک مردم را نادیده بگیرد و خون زحمتکشانی را به شیشه کند. کارفرمایان و سرمایه داران به میل خود کارگران را از کارخانه بیرون می کنند، تولید را به هزار بهانه پائین می آورند تا کارگران را بیکار کنند تا مزد را نپردازند. آنها می خواهند مثل گذشته با کارگران رفتار کنند و نظام تحقیر و تبعیض آریامهری را در کارخانه زنده کنند. با این اوضاع چه انتظار دارید؟ انتظار دارید کارگر بگوید: "زنده باد حکومت؟" آیا کارگری که برای سیز کردن شکم فرزندان خود از بام تا شام کار می کند، ضد انقلاب است یا سرمایه دارانی که حق کار کردن را از او سلب کرده اند، گرانی کمزورکن را به او تحمیل کرده اند و می خواهند حق نفس کشیدن را نیز از او بگیرند؟

کسانی که فتوادلها را مسلح می کنند، کسانی که دسته های چماق دار اجیر می کنند و به اجتماعات مردم حمله می کنند کسانی که باندهای سیاه را سازمان می دهند، کسانی که طرف سرمایه دار را گرفته اند، کسانی که زندانیان سیاسی را، رهبران خلق ترکمن را ناجوانمردانه ترور می کنند، کسانی که دست به هر جنایتی می زنند تا مبارزات مردم را به شکست بکشانند. اینها دشمن مردم هستند اینها ضد انقلاب هستند نه کارگران زحمتکشی که به اجحافات سرمایه داران و مفت خوری آنها اعتراض می کنند.

اگر اقتصاد ایران آشفته است، اگر گرانی هست، اگر بیکاری هست، اگر قحطی هست، گناهش به گردن کارگران نیست. اگر باور نمی کنید به کشورهای سوسیالیستی نگاه کنید که مردم حکومت سرمایه دار و نظام سرمایه داری را سرنگون کرده اند، کشورهایی که در آنجا از این فجایع خبری نیست. آیت الله خمینی در بند ۸ و ۹ پیام نوروزی گفته اند: "مصادره اموال متجاوزین به کلی از طرف افراد غیر صالحه شدیداً محکوم است" "هیچ کس حق تجاوز به زمین و یا مسکن و یا باغ کسی را ندارد."

علت صدور این فرمان آن بوده است که خانه بدوشها، آلودگ نشینان بی خانمان با عزمی انقلابی فشار آورده اند که هزاران آپارتمان میلیونرها که پولشان از پارو بالا می رود باید فوراً مصادره شود و در اختیار کسانی که خانه ندارند، قرار گیرد. وقتی مردم دیدند دهها هزار خانه را یکسال است که خالی نگاهداشته اند و به بهانه های شرع و قانون و در واقع به خاطر حفظ حرمت مالکیت سرمایه داران، اجازه نداده اند صدها هزار مردم که توی بیغوله ها و دخمه ها زندگی می کنند در این خانه ها ساکن شوند، مردم خودشان دست به کار شدند و شروع به اشغال قهری این خانه ها کردند. مردم می گویند این کدام شرع و کدام قانون است که به ما می گویند چله زمستان و جهنم تابستان را باید در بیابان سرکنیم و سرمایه دار هزاران خانه را احتکار کند مردم قانونی را قبول دارند که قانون فقر و بی خانمانی آنها نباشد قانون ظلم و ستم سرمایه داری نباشد. امروز دهقانان صدها هزار هکتار زمین زمین داران بزرگ را مصادره کرده اند.

بقیه در صفحه ۱۳

گسترده باد همگامی و همکاری همه نیروهائی که در راه ایرانی آزادی و دمکراتیک مبارزه میکنند



جنایتکارانی که نمی‌توانند شاهد وحدت خلقهای ایران و گسترش مبارزه ضد امپریالیستی آنها باشند، مثل سال گذشته بهار زحمتکشان کردستان را به خون کشیدند و با قتل عام تمام کودکان و زنان و مردان کهنسال در قله‌تان، صفحه سیاه دیگری بر جنایات ننگین خود افزودند.

همه آنها که قلبشان برای رهایی زحمتکشان میهن می‌تپد، با تمام وجود عاملین این جنایت هولناک را محکوم

دولت ضمن عدم پذیرش مذاکره بانمایندگان خلق کرد و درپیش گرفتن سیاست دفع الوقت، می‌خواهد جنگ خونین و گسترده دیگری را علیه خلق کرد تدارک ببیند. اما خلق قهرمان کرد آگاه‌تر، استوارتر و مصمم‌تر از گذشته همه این تلاش‌ها را درهم خواهد شکست.

می‌کنند و از خلق قهرمان کرد در مبارزه عادلانه‌اش دفاع می‌کنند.

مسئولین این قبیل جنایات را باید در کجا جستجو نمود؟ چگونه و با چه انگیزه‌ای می‌توان مردم بی سلاح را با تیر سر برید و آنگاه بدان نام مانور ارتش در منطقه را داد؟ آنها که دست جلادان قارنا را در منطقه بازگذاشته و از معرفی آنها خودداری می‌کنند، آنها که جلادان قارنا را در راس ارتش و در راس امور گذاشته‌اند آنها که فرزندان دلاور خلق ترکمن را مخفیانه تیرباران کردند و عملیات باند‌های سیاه را حمایت می‌کنند، زمینه را برای قتل عام مردم قله‌تان فراهم نمودند.

مسئولین این جنایت را نه در میان " پاسداران معبودی " بلکه باید در میان کسانی جستجو نمود که علیرغم شکست‌های گذشته، جنبش مقاومت خلق کرد را نادیده انگاشته و تاکنون حتی حاضر به مذاکره با نمایندگان واقعی خلق کرد (هیئت نمایندگی خلق کرد) نشده‌اند. و با در پیش گرفتن سیاست دفع الوقت تحمیل جنگ دیگری به خلق کرد را تدارک می‌بینند و هم اکنون آن را آغاز کرده‌اند مردم سراسر میهن باید جنگ افروزان واقعی و عاملین این جنایت ننگین در کردستان را بشناسند.

در هفته‌های گذشته در مناطق کردنشین اطراف

توسط ارتش و پاسداران فاجعه قارنا ...

ارومیه (ترکور و مرکور) از جانب برخی فتوادل‌های منطقه نظیر رشید بگ، خورشید بگ و احمد بگ که مورد حمایت کامل ژاندارمری می‌باشند، تحریکاتی علیه دهقانان زحمتکش و پیشمرگه‌های مستقر در این مناطق آغاز گردید که در یک مورد باعث درگیری گردید. ولی هوشیاری نیروهای جنبش مقاومت خلق کرد از گسترش آن جلوگیری نمود. در روزهای اخیر باردیگر اعمال تحریک آمیز مزدوران وابسته به فتوادل‌ها و ژاندارم‌ها، شدت یافت که در جریان آن چند پیشمرگه توسط جاشها اسیر می‌شوند.

ادامه اینگونه حرکات از جانب فتوادل‌ها و ژاندارمری، دانه تشنج و درگیری در منطقه را گسترش بخشید که در نتیجه آن پاسگاه سی‌کانیان و چند پاسگاه دیگر منطقه که تبدیل به پایگاه اصلی فتوادل‌ها و مزدوران آنها شده بود، توسط پیشمرگه‌های قهرمان، خلع سلاح گردید.

در تاریخ ۵ فروردین ۱۳۵۹ ضدانقلابیون وابسته به حزب خلق مسلمان در نغده به رهبری " معبودی " ساواکی معروف که همواره حفیظ موجودیت خود را در گرو جنگ افروزی در منطقه می‌یابند، به همراه دو ستون ارتش، سپاه پاسداران و ژاندارمری به طرف اشنویه حرکت و تا قله‌تان که یکی از مقرهای حزب دمکرات در آن قرار داشت، پیشروی می‌کنند که روستای مزبور از پیشمرگه‌ها و مردم تخلیه می‌شود و تنها تعدادی کودک و زن و پیرمرد در آن باقی می‌مانند.

روز بعد پاسداران معبودی، به همراه ارتش به قله‌تان حمله می‌کنند و پس از تصرف روستای تخلیه شده، به فجیع‌ترین شکل ممکن به قتل عام اهالی می‌پردازند. چند نفر که از خانه خود بیرون آمده بودند، توسط تانکهای ارتش له می‌شوند و تعدادی دیگر از مردم به سیله تیر به شهادت می‌رسند. پس از قتل عام مردم توسط پاسداران و ارتش در تاریخ ۷ فروردین ۵۹، قله‌تان توسط توپخانه ارتش ویران گردید. این است مفهوم واقعی آنچه که بدان نام مانور ارتش جمهوری اسلامی در منطقه را داده‌اند.

طی ماههای اخیر مبارزات دهقانان زحمتکش و خوش

نشینان به خاطر مصادره اراضی بزرگ مالکان در سراسر کردستان شدت یافته است. سیاست سازمان ما بر این قرار دارد که از مبارزات خوش نشینان و دهقانان زحمتکش به خاطر نابود کردن سلطه فتوادل‌ها و زمین‌داران بزرگ در منطقه فعالانه حمایت نموده و با گسترش مبارزه طبقاتی زحمتکشان، مبارزه در راه کسب خودمختاری در کردستان را در جهت منافع زحمتکشان خلق کرد و به سود اهداف تاریخی طبقه کارگر ایران هدایت نماید. اکنون در تمام مناطقی که ارگان‌های دولتی حاکمیت دارند، فتوادل‌ها و ایادی وابسته به آنها، از جانب ارتش، ژاندارمری و سپاه پاسداران مورد حمایت قرار گرفته و آنها را علیه جنبش مقاومت خلق کرد مسلح نموده‌اند. امری که حقگو استنادار آذربایجان غربی به عبث تلاش در پنهان ساختن آن دارد. روستائیان منطقه اشنویه و نغده در روزهای گذشته شاهد بودند که چگونه هنگامی که دهقانان زحمتکش در روستای " چپانه " تصمیم به مصادره اراضی بهمین خان خسروی گرفتند، سپاه پاسداران به بهانه ممانعت از درگیری به مخالفت با عمل انقلابی دهقانان برخاست و بهمین‌خان را مورد حمایت قرار داد و اکنون نیز بهمین‌خان خسروی، امیر فلاح و معبودی ساواکی و مسئول حزب خلق مسلمان در نغده، با همکاری ارتش و پاسداران، تلاش می‌کنند دانه جنگ را هرچه بیشتر گسترش بخشند.

در جنوب کردستان نیز جاشهای وابسته به مفتی زاده و مزدوران همه‌چاوه و عبه‌یاره و سایر دسته‌های وابسته به فتوادل‌ها و مرتجعین محلی تحت عنوان پیشمرگان مسلمان سازمان یافته‌اند و ارتش و سپاه پاسداران توسط آنها تحریکات وسیعی را در مناطق کامیاران، پاره، نوسود و بیجار ... آغاز کرده‌اند و علاوه بر این از رسیدن سوخت و مواد غذایی به این مناطق جلوگیری می‌نمایند. ارتش تحت پوشش مسخره مانور نظامی نقل و انتقالات گسترده‌ای را آغاز نموده و در مناطق مستقر شده به ایجاد سنگرهای جدیدی دست زده است.

موضع‌گیری‌های اخیر هیئت حاکمه و در راس آن بنی‌صدر در مورد کردستان، تبلیغ روی

خلع سلاح نیروهای انقلابی و مردم، تصفیه پرسنل انقلابی ارتش و تلاش جهت بازسازی ارتش ضد خلقی، گرفتن قطعات یدکی سلاح‌های امریکائی و هلی‌کوپترهای کبرا از ایتالیا، سخنرانی‌های تهدیدآمیز فرماندهان مزدور علیه جنبش مقاومت خلق کرد، تلاش برای نابود کردن شوراهای انقلابی ارتش، انحلال انتخابات در قسمتی از کردستان، شکست مذاکرات هیئت ۵ نفره حزب دمکرات در تهران و سرانجام اوج گرفتن تبلیغات عوام‌فریبانه در مطبوعات علیه نیروهای جنبش مقاومت و طرح بازگشت ژنرال‌های شاه جنایتکار به غرب کشور از جانب آنها، همراه با پیام نوروزی آیت‌اله خمینی که انعکاس دیدگاه بنی‌صدر نسبت به مسائل موجود انقلاب ایران بود ... دورنمای گسترش جنگ در کردستان را هرچه روشن‌تر تصویر می‌کند.

کسانی که از شکست مفتضحانه گذشته خود در کردستان درس نگرفته‌اند، می‌اندیشند که هرگاه بتوانند ارتش شاهنشاهی را بازسازی کنند و با طرح و برنامه‌های از قبل تدوین شده به کردستان هجوم آورند، موفق خواهند

شد اراده متحد خلق کرد را درهم شکنند. جهت‌گیری‌های هیئت حاکمه نشان می‌دهد که تلاش برای افروختن آتش جنگ در کردستان و سرکوب جنبش مقاومت خلق کرد هر روز از اهمیت بیشتری برخوردار می‌گردد زیرا در شرایط تداوم بحران اقتصادی و سیاسی و گسترش مبارزه طبقاتی پرولتاریا و سایر زحمتکشان در سراسر ایران و رشد روز افزون نیروهای انقلابی و دمکراتیک، وجود توده‌های مسلح در کردستان و رابطه و تاثیر متقابل آن بر روی کل جنبش که نتیجه طبیعی آن عمیق یافتن هرچه بیشتر مبارزه ضد امپریالیستی توده‌هاست، برای حاکمیت به هیچ وجه قابل تحمل نیست.

حاکمیت امروز در کردستان

با بن بست روبرو است. از طرفی ظرفیت محدود تاریخی اش به وی اجازه نمی‌دهد که از طریق بهر سمت شناختن حق خودمختاری خلق کرد، مسئله را به شیوه‌های مسالمت‌آمیز حل کند و از جانب دیگر با توجه به عمق بحران موجود و درهم ریختگی ارتش راه حل نظامی نیز از قبل محکوم به شکست است و هر گاه به چنین ماجراجوئی‌ای دست بزند، عواقب و پپی آمده‌های آن با توجه به شکست حتمی ارتش، بسیار قابل تعمق و بررسی است.

صف‌بندی نیروها نشان می‌دهد که این بار برخلاف گذشته جنبش مقاومت خلق کرد از پشتوانه مادی و معنوی در سراسر ایران برخوردار است که برای هیئت حاکمه سرکوب آنها در موقعیت کنونی امکان‌پذیر نیست.

با توجه به ساخت طبقاتی جامعه ایران، هر روز بهتر از قبل روشن می‌گردد که هیچ نیرویی به جز طبقه کارگر قادر به حل ریشمای بحران موجود که ناشی از تداوم وابستگی میهن ما به امپریالیسم می‌باشد، نیست و سرنوشت خرد بورژوازی جز شکست در مبارزه ضد امپریالیستی نمی‌باشد. حل مسئله خلقی و تامین منافع واقعی زحمتکشان جامعه تنها توسط طبقه کارگر

ما ضمن محکوم کردن جنگ افروزی‌های هیئت حاکمه از مبارزه عادلانه خلق کرد قاطعانه دفاع نموده و از همه نیروهای انقلابی می‌خواهیم با حمایت فعال از خلق قهرمان کرد، صف نیروهای ضدامپریالیست را هرچه بیشتر تحکیم بخشند.

پر توان باد جنبش طبقه کارگر، بیست‌و‌مبارزات ضدامپریالیستی - دموکراتیک خلقهای ایران



پیش نویس قانون جدید تأمین اجتماعی یا رونوشت قانون تأمین اجتماعی رژیم شاه

(قسمت اول)

رئیس جمهور و اوضاع ...

بقیه ز صفحه ۶
سرمایه داران یعنی اینکه فرهاد حق طلبانه کارگران و زحمتکشان برای کار، نان، مسکن و آزادی صدای "ضدانقلاب" نامیده شود و به نام مردم و به دست ارتش آنرا خاموش کنید! شرایط مساعد برای سرمایه داران یعنی اینکه مبارزات دهقانان و زحمتکشان روستا، با توپ و تانک فرماندهان ارتشی که مورد حمایت شمامت، سرکوب شود، خانه‌هایشان ویران گردد و آواره ولایت غربت گشته و به خاک و خون کشیده شوند.

آقای رئیس جمهور شما نمی توانید مسئولیت گرسنگی، بیکاری، بی مسکنی، گرانی، بی درمانی و بیسوادی میلیونها نفر از هم مهربان زحمتکش ایرانی را با توجه به اینکه یک سال از قیام می گذرد و میلیاردها دلار از فروش نفت خام به امپریالیست‌ها در بانکهای امپریالیستی ذخیره کرده‌اید، به گردن دیگران بیندازید. در حالیکه میلیونها تن بیکار بیمار، گرسنه و بی خانه هستند، شما آقای رئیس جمهور چطور جرأت می کنید از میلیاردها دلار اندوخته ارزی در بانکهای امپریالیستی صحت کنید و عدم به کار بردن آن را در جهت رفع مشکلات مردم، نبودن اوضاع مناسب ذکر کنید!

ذخیره کردن پول نفت در بانکهای امپریالیستی و کاهش مداوم قیمت آن، بزرگترین خیانت به منافع زحمتکشان و همه مردم ایران است.

تنها دشمنان مردم ما شور انقلابی و مبارزات حق طلبانه مردم ایران را مسئول ناامنی و گرانی و بیکاری قلمداد می کنند؟

مسئول ناسامانی‌ها زحمتکشان نیستند. آنان قربانیان سرمایه داری هستند. آنان استقلال، کار، مسکن و آزادی می خواهند و درست هم تشخیص داده‌اند که امنیت کذایی شما تنها فقر و بیکاری و خانه بدوشی بیشتر آنها را در پی خواهد داشت. امنیت سرمایه داران یعنی بی خانمانی و عدم امنیت کارگران و زحمتکشان.

است که امپریالیسم چپاولگر انگلیس دولتش را "دولت رفاه عامه" معرفی می نماید. قوانین بیمه‌های اجتماعی هم اکنون عرصه شمول وسیع تری یافته و دیگر منحصر به محیط کارگاهها نیست و جنبه اجتماعی تری یافته است ولی این "قانون اجتماعی" از نظر کیفی همان ادامه و گسترش آئین نامه‌های کارگاهی است که شمول اجتماعی پیدا کرده است و اما آنچه که در رابطه با قانون تأمین اجتماعی برای کارگران و زحمتکشان ایران مطرح است، در وضعیت کنونی در چهارچوب تحلیل و افشای پیش نویس قانون تأمین اجتماعی مفهوم می یابد. سازمان تأمین اجتماعی جمهوری اسلامی ایران به ادعای خود طی ۶ ماه کوشش و زحمات گروهی از صاحب نظران برای تهیه "قانونی کاملاً بی عیب و نقص" سرانجام پیش نویس قانون جدید را تهیه کرده و برای "نظرخواهی" نهائی ارائه داده است. اما آنچه که این "صاحب نظران" پس از ۶ ماه "زحمت" عرضه کرده‌اند، چیزی نیست جز همان قانون تأمین اجتماعی پیشین که باز نویسی شده و با پس و پیش کردن چند ماده و تبصره و حذف و اضافه کردن چند ماده و اصلاحاتی جزئی، بار دیگر مطرح شده است. از مجموع صد و نوزده ماده‌ای که تدوین شده، متجاوز از صد ماده عیناً همان مواد قانون آریامهری است و تنها چند ماده تغییر یافته که اغلب این تغییرات هم در رابطه با مقررات و روش‌های اجرایی قانون است، نه محتوای کلی آن.

بررسی این پیش نویس نشان می دهد که مسئولین وزارت کار و سازمان تأمین اجتماعی، کوچکترین تلاشی در جهت دست اندازی به ساحت "مقدس" قوانین سرمایه داری را جایگزین ندانسته‌اند و خام اندیشان تصور نموده‌اند که با باز نویسی قانون ارتجاعی پیشین و گنجاندن چند تغییر جزئی و تغییر عنوان آن از قانون تأمین اجتماعی شاهنشاهی به "قانون تأمین اجتماعی جمهوری اسلامی" می توانند کارگران و زحمتکشان را که سالها تحت تبعیض و ستم این قانون ضد کارگری بوده‌اند، فریب دهند. این قانون نیز مثل ارتش و مثل ساواک و مثل ادارات دولتی فقط رنگ عوض کرده است.

غیرواقعی و فریبکارانه دارد. نه تنها این قانون بلکه تمامی قوانین حاکم بر نظام سرمایه داری، صرف نظر از اینکه عنوان "اجتماعی" داشته باشد یا خصوصی، چیزی جز انعکاس منافع یک طبقه (سرمایه دار) بر محور مالکیت خصوصی بر ابزار تولید نیست. تأمین اجتماعی در واقع به مفهوم تأمین کل جامعه نیست، بلکه عملاً تأمین اجتماعی (طبقه اجتماعی) معینی است، یعنی طبقه سرمایه دار. امنیت و رفاه اجتماعی طبقات تحت ستم و استثمار با هیچ قانونی مفهوم واقعی نمی یابد جز با سرنگونی نظام سرمایه داری و قوانین آن. ولی مسئله تأمین اجتماعی کارگران در نظام سرمایه داری در رابطه با جزء به جزء حرکات اجتماعی کارگران همواره مطرح بوده است. مبارزه کارگران و زحمتکشان در جهت تحقق حقانیت تاریخی شان همواره زو به گسترش داشته و در این راه قوانین حاکمه را ناگزیر به عقب نشینی و انعطاف نموده است.

مسئله قانون تأمین اجتماعی از دیدگاه طبقه کارگر و طبقه سرمایه دار مفاهیم متفاوتی دارد.

از نظر کارگران - در چهارچوب نظام سرمایه داری مسئله تأمین اجتماعی در رابطه با مبارزه برای بهتر کردن شرایط کار و تأمین خواسته‌های اقتصادی و اجتماعی ملموسش مفهوم می یابد.

از دیدگاه طبقه سرمایه دار مسئله قانون تأمین اجتماعی به دو صورت مطرح است:

- ۱- از نظر اقتصادی - او ضرورت بازسازی تولید و تأمین نیروی کار را می بیند، یعنی امکان ادامه استثمار را و در این رابطه است که به شرایط و محیط کار در چهارچوب حداقل معیشت توجه نشان می دهد.
- ۲- از نظر سیاسی - طبقه سرمایه دار می گوید دولت خود را با بهره گیری از چنین قوانینی (تأمین اجتماعی و...) به عنوان نماینده همه جامعه بنماید. با بهره گیری از همین شعارها و قوانین تأمین اجتماعی و "رفاه همگانی"

سعی می کنند به توده‌ها بقبولانند که: نوشتن قانون کار پیچیده‌ای است، هر کسی نمی تواند از آن سر در بیاورد این کار را به "صاحب نظران" و "خبرگان" واگذار کنید و کاری هم به کم و کیفش نداشته باشید. ولی توده‌های مردم علیرغم موعظه‌های "پدرانه" آنان واقعیت‌ها را تجربه می کنند. آنچه را که قانون کار آریامهری، بیمه آریامهری... به آنها نشان داد، آنچنان با پوست و خونشان لمس کرده‌اند که اگر آن رادر چهره‌ای دیگر ببینند بی اعتمادی بدان خواهند نگرست. این انبوه تجربیات ساده را نمی توان دست کم

- مسئولین وزارت کار و سازمان تأمین اجتماعی، کوچکترین تلاشی در جهت دست اندازی به ساحت "مقدس" قوانین سرمایه داری را جایگزین ندانسته‌اند.

گرفت. این تجربه توده‌ها پشتوانه همبستگی و اتحاد بیشتر و تشکل آگاهانه تر است.

نمایندگان آگاه کارگران و زحمتکشان با اتکا به همین تجربه و تشکیلات می توانند مشت قانون نویسان شعبده باز را بکشایند. شرکت فعال نمایندگان واقعی و آگاه کارگران در تدوین قوانینی چون قانون کار، قانون تأمین اجتماعی، طرح طبقه بندی مشاغل و... به "صاحب نظران" حامی سرمایه داری مجال آن را نمی دهد که منافع سرمایه داران را بیش از این حفظ نمایند. شرکت فعال تشکیلات واقعی کارگری در بررسی قانون تأمین اجتماعی و تدوین آن می تواند گام موثری در جهت ارزیابی انقلابی قوانین سرمایه داری و افشای ماهیت آن باشد. در این رابطه است که قانون تأمین اجتماعی مورد بررسی قرار می گیرد. قانون تأمین اجتماعی بطور کلی در چهارچوب نظام سرمایه داری، اساساً مفهومی

سازمان تأمین اجتماعی جمهوری اسلامی، پیش نویس برای قانون تأمین اجتماعی تهیه کرده که قبل از هر چیز حاوی جمیع صفات قوانین حاکم سرمایه داری است و ما در این مقاله آن را مورد بررسی و انتقاد قرار می دهیم بررسی این قانون چیزی جز سند محکومیت آنرا دربر ندارد چون چیزی جز رونوشت قانون تأمین اجتماعی رژیم گذشته نیست و لی ضرورت این بررسی بیشتر به خاطر آن است که این سند بعنوان یک "قانون انقلابی" مطرح می شود و از آنجا که با مبارزه انقلابی کارگران و زحمتکشان سرو کار می یابد و مبارزه انقلابی "تکلیفش را روشن نماید، این بحث را لازم می دانیم.

قبل از بررسی مشخص این پیش نویس ذکر چند نکته درباره مختصات قوانین متعارف ضروری است. حقوق دانها معمولاً در تعریف مختصات قانون به این اصل تکیه می کنند که "قانون باید صراحت داشته باشد." اما معمولاً اکثریت قابل توجهی از آنان در خدمت منافع طبقات حاکمه، بیشترین استعداد و مهارت علمی و فنی شان را بکار می گیرند تا هر چه بیشتر قوانین را پیچیده تر، مبهم تر و تفسیر پذیرتر نمایند. حال چرا طبقه سرمایه دار قانون رادر قالب عباراتی دوپهلوی، مبهم و پیچیده بیان می نماید؟ چون باید استثمار، غارت، فقر، فلاکت و سرکوب توده‌ها را در پرده ابهام نگهدارد و به کمک دروغ آن را بیاراید. این دروغ که دولت سرمایه داری در واقع سرمایه داران با منافع زحمتکشان فرقی ندارد و دروغ‌های دیگر در قالب قوانین و آئین نامه‌های گوناگون به وسیله قانون دانان مزدور و چیره دست تهیه و تدوین می شود. قانونی که سرشار از تزویر و دروغ است، نمی تواند صراحت داشته باشد. ولی قانون حامی منافع زحمتکشان صراحت دارد. چون از حقیقت سخن می گوید و نیازی به تزویر و مبهم گوئی ندارد یعنی نیازی به دروغ گوئی چیره دست ندارد. سرمایه داران و حامیان آنها

فرهنگی با امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم امریکا

اعتراضات وسیع مردم به انتخابات همچنان ادامه دارد

دوره اول انتخابات مجلس شورای ملی و اعلام نتایج آن توسط وزارت کشور به پایان رسید. با اعلام نتایج نهایی انتخابات، حزب جمهوری اسلامی با اعمال نفوذ، تقلب و هراقدامی که لازم دید، اکثریت نمایندگان مجلس در دور اول را (که حدود سه چهارم کل نمایندگان را تشکیل می دهد)، به خود اختصاص داد.

حزب جمهوری اسلامی بلافاصله پس از پایان انتخابات دور اول، طبعی اعلامیه ای نوشت: "دیروز آخرین امیدهای صد انقلاب به یاس مبدل شد. دیروز یک روز عادی که "یوم الله" بود. طلب نمایندگانی برگزیده که رای گویای خواسته های او باشد انتخابات دیروز خط پایایی کشید بر همه سی قانونی ها و آب سردی بود که بر خاکستر مشرود رنگ بریده صد انقلاب پاشیده شد."

با این حرعلات گویی حزب جمهوری اسلامی از نتایج انتخابات مطلع است و میدانند که اکثریت کاندیداهایش، عده ای در مرحله اول پیروز می شوند و مابقی هم در مرحله دوم، حزب جمهوری اسلامی و کارگزاران وابسته به آن همگی از انتخابات اظهار رضایت کردند و با بزرگ کردن و ارج نهادن به آرامش حاکم بر مصلحت انتخابات، ابعاد بزرگ تقلبات را کوچک جلوه دادند.

کنی، سرپرست وزارت کشور از نحوه اجرای انتخابات اظهار رضایت کرد و علت نارسایی موجود در انتخابات را بیسوادی رای دهندگان دانست. او به سوءاستفاده بزرگی که توسط ملاحظه محلی، کمیته ها و پاسداران به رهبری حزب جمهوری اسلامی در حوزه های رای گیری صورت گرفت آب تطهیر ریخت و گناهان را به گردن بیسوادی انداخت و اظهار داشت:

"بیسوادان با اصرار به متصدیان صندوق ها مراجعه و از آنها می خواستند که خودشان تعدادی را برایشان انتخاب و در ورقه آنها بنویسند که متصدیان در پارامی موارد از این کار سر باز می زدند و از طرف دیگر برگه های تبلیغاتی بین بیسوادیان پخش می شود ولی بطور کلی این سوءاستفاده ها زیاد نبود."

میرسلیم معاون سیاسی و اجتماعی وزارت کشور اظهار داشت: "بطور رسمی انتخابات خوبی شده ولی بدون نقص نبوده است. روحانی از آرام بودن انتخابات اظهار رضایت داشت. چمران در مورد اینکه انتخابات با آرامش برگزار شد،

گفت: "رشد مردم تحسین برانگیز بود. کبانوری دبیرکل حزب توده نیز گفت: "چه در شهرستان ها و چه در تهران انتخابات آرام قابل قبول و بدون عیب بوده است. ولی در پناه این آرامش، تقلب بود و آنهم تقلب حزب جمهوری اسلامی و نمایندگان آن در ارگان های دولتی از جمله وزارت کشور و اکثر مصوبین آن، آقایان استانداران فرمانداران، حشداران و غیره..."

در مشهد برای کسب حمایت از روحانیونی که حاضر به تأیید کاندیداهای وابسته به حزب جمهوری اسلامی نبودند، لیست اساسی کاندیداهای خود را به صورت کاندیداهای منفرد اعلام کرد و پس از جلب نظر روحانیون در حمایت کاندیداهای منفرد، حزب جمهوری اسلامی از این کاندیداهای که در واقع کاندیداهای حزب بود، حمایت نمود. حزب جمهوری اسلامی حتی از نماز جمعه روز انتخابات هم به مع خود استفاده کرد. در تهران پس از نماز جمعه،

در مجموع این تصیفات نسبت به حقوق مردم و نیروهای مبارز و ترقیحخواه "آرامش" حاکم بر انتخابات را به طوفانی از اعتراضات مبدل ساخت. مردم سنج با راهپیمایی و اعتصاب غذای ۱۲ ساعته خود در روز جمعه انتخابات به جلوگیری از برگزاری انتخابات از جانب وزارت کشور اعتراض کردند. در اقلید، فیروزآباد و قیر و کارین (شیراز) مردم علیه کاندیداهای مورد حمایت حکومت دست به اعتراض زدند. در رشت صن درگیری

■ ابعاد خدعه و نیرنگهای انتخاباتی نشان داد که طرح و برنامه ریزی آن مدتها پیش از برگزاری انتخابات آغاز شده بود. امکان تقلب و اعمال نفوذ از پائین ترین ارگان انتخاباتی تا بالاترین آن به نفع "ائتلافیون" از قبیل پابریزی شده بود.

انتخاباتی یکی از جوانان هوادار سازمان به نام محمد رفیعی و در اصفهان حواص دیگری به نام احمد کبیری به قتل رسیدند. در بجا ۱۲ تن از مسئولان صندوق های اخذ رای گروگان گرفته شدند و انتخابات در چندین حوزه انجام نشد. در سیریل ذهاب اعضای انجمن نظارت از سمت های خود استعفا دادند. در سرحان بیش از ۵۰ نفر از اهالی طی تلگرامی به آیت الله خمینی و رئیس جمهور به خاطر

لیست ائتلافیون بیس توده های مردم پختن شد و حتی از جانب عوامل آن علیه گروه های انقلابی و افراد مبارز شعار داده شد. در تبریز امام جمعه تبریز در مراسم نماز صحن بیان خطبه های خود علیه نیروهای مترقی سخن گفت و در همدان امام جمعه این شهر صحن خطبه های نماز کاندیدای مورد حمایت خود را معرفی کرد. یکی دیگر از شرکده های حزب جمهوری اسلامی که از کانال وزارت کشور و منصوبین

ابعاد این خدعه و نیرنگها نشان داد که طرح و برنامه ریزی آن مدتها پیش از برگزاری انتخابات آغاز شده بود. بطور مثال بنا به تصمیم اعضای انجمن نظارت مرکزی بر انتخابات، قرار بر این بود که اعضای نظارت بر اخذ آراء (که مهم ترین بخش و هسته اولیه سیستم انتخاباتی را تشکیل می دهد) توسط معتمدین محل از افراد "صلاحیتدار" و "بیطرف نسبت به جریانها" سیاسی انتخاب شوند ولی این تصمیم نقض و عملاً اعضای

■ تصمیم رئیس جمهور دایر بر تشکیل هیئت ۷ نفره برای تهیه گزارش تخلفات انتخاباتی بیشتر برای خالی نبودن عریضه و خاموش کردن اعتراضات مردم است. کوشش بنی صدر برای جور کردن ترکیب مجلس به سود سیاست های خویش مضمون اصلی اعتراضات او را تشکیل می دهد.

اقدامات فرصت طلبانه و انحصارگرانه حزب جمهوری اسلامی در تعویق انتخابات سیرجان اعتراض و از استاندار کرمان که طی سفری به سیرجان (به بهانه گشایش تلفن خودکار) به نفع کاندیدای حزب جمهوری اسلامی تبلیغ نموده بود، شکایت کردند.

در تبریز یکی از نمایندگان وزارت کشور و یازده انتخابات استان آذربایجان شرقی به علت اعتراض به تخلفات، از جانب فرماندار تبریز، امام جمعه تبریز، فرماندار سابق تبریز، استاندار آذربایجان شرقی و روسای پاسداران در زمینه دریافت کارت بازرسی (از طریق فشار و سفارشات) از بازرسی انتخابات برکنار می شود. سازمان و مجاهدین انتخابات تبریز را مخدوش و باطل اعلام کردند. در مشهد موج اعتراضات طاهراحمدرزاده، شیخ علی

آن در شهرستان ها عمل میکرد این بود که کاندیداهایی که از جانب سازمان ما معرفی شده بودند و احتمال زیادی رفت که در انتخابات پیروز شوند، حذف گردیدند و کسی در شهرهایی که این احتمال ضعیف بود، اکثراً در لیست باقی ماندند. کاندیدای سازمان ما در رامهرمز، ابتدا از لیست کاندیداهای حذف شد و چون هواداران ما مصمم شدند به کاندیدای مجاهدین در این شهر رای دهند، بمبارای جلوگیری از بالا رفتن کاندیدای آنان، دوباره نام کاندیدای سازمان وارد لیست شد. با این وجود حساب آنان غلط از آب درآمد و در شهر رامهرمز نماینده ما حاضر اکثریت آراء شد ولی حزب جمهوری اسلامی با توسل به بیسوادی مردم روستاهای حومه رامهرمز و تقلب مانع ورود کاندیدای ما به دور دوم گردید.

حوزه ها توسط کمیته ها انتخاب شدند. بر این اساس امکان تقلب و اعمال نفوذ از پائین ترین ارگان انتخاباتی و به نفع "ائتلافیون" پابریزی شد و از سوی دیگر با راه تعرفه های فاقد شماره مسلسل راه برای آن باز گذارده شد و بالا اکثر استانداران، فرمانداران و... برای امر پیشبرد اهداف حزب جمهوری اسلامی بسیج شدند.

حزب جمهوری اسلامی در هر شهر و کاشانه ای دست به خدعه خاصی زد و از بیسوادی مردم و احساسات مذهبی آنان سوءاستفاده کرد. در تهران لیست ائتلاف بزرگ را به شکل ماهرانه ای در کنار پیام امام طوری آرایش داد که امضای امام و نمایندگان ائتلافیون در کنار و ردیف هم قرار گرفت، بطوریکه تعداد زیادی از مردم با در دست داشتن همین لیست به پای صندوق آراء رفتند.

تهرانی و استاد شریعتی به رئیس جمهور ارتقبات گسترده انتخابات حکایت می کرد. احمدزاده در تلگرام خود نوشت:

"توطئه های آماده شده در امر انتخابات از اولین ساعات صبح امروز نعرات خود را نشان داده و گذشته از اینکه استانداران، فرمانداران و بخشداران که از قتل حساب شده و از واستگان به حزب مورد نظر انتصاب شدند و اعضای انجمن های اصلی و فرعی را نیز از طریق کمیته ها و حزب و روحانیت وابسته برگزیدند. به این قانع نشد و با کمال وقاحت و بیشرمی نام کاندیداهای خود را روی کاغذ نوشته و در محل اخذ رای به دست مردم می دهد و می گوید که این اساسی کاندیداهای امام است... بازرسی وزارت کشور گویی که برای حسن احراء توطئه ها به مشهد اعزام شده است. شریعتی و علی تهرانی طی تلگرامی به رئیس جمهور انتخابات مشهد را مخدوش و فاقد ارزش "شرعی و قانونی" خواندند و انحلال انتخابات مشهد و تجدید آن را خواستند حتی علی تهرانی در مورد نماینده مشهد و یکی از "شعبان جعفری" های سابق گفت:

"افرادی که اکنون بعنوان نماینده مردم در مجلس انتخاب شده اند همان سرتسته های جفا ق بدستان دوره آریامهری هستند. از خمین آیت الله پسندیده طی نامه ای به رئیس جمهور نوشت: "هیچ دورهای به این نحو عمل نشده و مردم از حکومت اسلامی انتظار ظلم قاحش نداشته اند. انتخابات در خمین با تقلب، تزویر، و تهدید به نفع کاندیداهای حزب جمهوری اسلامی انجام یافته است. حتی قاضی و دادستان با ارباب و زندان جمعی... در روز رای گیری انتخابات را از جریان طبیعی خارج نموده است" در تهران یکی از اعضای اصلی انجمن نظارت مرکزی بر انتخابات طی نامه ای به رئیس جمهور نوشت:

"جوی که از قبل برای انجام انتخابات در جهت منافع گروه های انحصار طلب فراهم شده بود و هم چنین شیوه ها و وسائل مختلفی که در ترکیب بندی و سازماندهی حوزه ها و صندوق ها و مداخلات گوناگون در حین رای گیری در پیش گرفته شده بود به آنچنان نتایجی انجامید که هیچ چیز غیر از مدارک و اسناد موجود بین مداخلات، نمی تواند بین فاجعه ای باشد که بعنوان اولین انتخابات پارلمان حساب جمهوری اسلامی

ایران و امیدهای مردم ستعدیده وطن ما گذاشته شده است. همچنین در تهران حجت الاسلام مرارید عضو جامعه روحانیت مبارز تهران به تقلب های حزب جمهوری اسلامی اعتراض کرد و گفت: "این کار ائتلاف بسیار کار ناپسندی بود. و حده های آقای خانهای را در زد و بند های ائتلاف بر ملا کرد."

رئیس دانشگاه صنعتی شریف با نامه ای به رئیس جمهور فضای انتخابات را "مسموم" نامید. فروهر به خاطر تقلبات انتخاباتی از پست خود استعفا داد، اما آیت الله خمینی، استعفا او را نپذیرفت.

خلاصه آنکه موج ناراضی و اعتراضات مردم و اکثر کاندیداهای تمام شهرها و قصبات بلند است. اعتراضات در مجموع نسبت به توطئه ها، تزویرها و تقلبات از جانب حزب انحصار طلب جمهوری اسلامی، و دست

حزبی آن یعنی ملاحظه، روسای کمیته ها و پاسدارها، استانداران، فرمانداران، بخشداران، هیئت های نظارت، مسئولین حوزه ها و حتی تعدادی از امام جمعه های چند شهرستان و نیز رادپوتلویزیون بود.

آقای بنی صدر در برابر این موج اعتراضات، تلگرام ها و نامه های شکایت آمیز اظهار داشت که:

"بر اساس شکایات رسیده اگر ببینیم که تقلبات زیاد و جدی است، البته انتخابات باطل خواهد شد. و در پاسخ به شکایت آیت الله پسندیده گفت:

"نمی توانم نسبت به عدم سلامت انتخابات لایقید بنام و یقین بدانید در این باره با قاطعیتی تمام عمل خواهم کرد."

او حتی در همدان ضمن سخنرانی اش اعلام کرد: "تا آنجا که بتوانم زربار مجلس تقلبی نخواهم رفت."

ولی آقای رئیس جمهور بیان این وعده و وعده ها مقصودی جز آبربخش روی آتش خشم مردم نداشت آقای رئیس جمهور در روز اول فروردین در مراسم اولین نماز جمعه سال نو حرف خود را پس گرفت و صریحاً اظهار داشت:

"همانطور که امام عصر فرموده اند، اصل انتخابات را نباید نفوکر کرد و هر جا که



بقیه از صفحه ۱

چراخواست رئیس جمهور اطاعت کورکورانه از فرماندهان ارتش شاه...

ایران، فرمانده کل قوا بنی صدر در یک چنین شرایطی از لزوم بازگرداندن "نظم" به ارتش دم می زند و اطاعت خدشه ناپذیر از مافوق را ضامن چنین "نظمی" می داند و دست فرماندهان ضد خلقی را بازمی گذارد.

تفویض مسئولیت و قدرت به سران ضد خلقی ارتش، ترویج اطاعت کورکورانه از مافوق و تلاش در جهت خلع سلاح توده ها در برابر آنان، یعنی تدارک مقدمات، استیلاي حکومت نظامی، یعنی پرورش زاهدی ها و بال و پر دادن دهها ژنرال توطئه گر که نظایرشان در هر گوشه از جهان به امر اربابان امریکائی شان کودتا می کنند، مردم را به گلوله می بندند و دست به هر جنایتی می زنند تا منافع امپریالیسم جهانی و سرمایه داری وابسته به آن حفظ گردد. آنان که در گفتار خود را طرفدار تسلیح توده ها می دانند و صحبت از ارتش بیست میلیونی می کنند، اما در عمل همه تلاششان را برای خلع سلاح توده ها در مقابل سرمایه داران و زمین داران بزرگ به کار گرفته اند، آنان که در برابر حقانیت انقلابی مبارزه توده ای به منطق ورشکسته "باندهای سیاه" متوسل می شوند و یا بر آن صحنه می گذارند، آنان که "قاطعت" شان تنها در رابطه با ارباب و سرکوب توده های زحمتکش امکان تجلی می یابد، می خواهند شوراها را از محتوای انقلابی تهی کنند و پرسنل انقلابی ارتش را به ماشین های بی اراده سرکوب بدل سازند، غافل از آنکه اتحاد عمل آگاهانه و انقلابی توده ها و نیروهای انقلابی و ترقی خواه، سازماندهی نظام اطاعت کورکورانه را ناممکن می گرداند و پرسنل انقلابی ارتش با اتکا به دستاوردها و تجربیات انقلابی شان مجال اعمال چنین نظمی را به فرماندهان ضد خلقی ارتش نخواهند داد.

* نقل قول از ظهیر نژاد در نطق تلویزیونی اش...

در دانشگاه های نظامی امپریالیستی و صهیونیستی شکل گرفته است و براساس "مبارزات درخشان" شان چیزی جز خدمات بی شائبه به امپریالیسم و صهیونیسم نیست، ادعای مبارزه علیه امپریالیسم را هم دارند. این فرماندهان یک شبه انقلابی شده که تا مدت ها پس از قیام از ترس انتقام و خشم توده ها و پرسنل انقلابی به مخفی گاه های خود خزیده بودند و از اجتماعات مردم وحشت داشتند، اکنون در صدا و سیماي جمهوری اسلامی در برابر میلیون ها تن از مردم مبارز میهنمان ظاهر می شوند و زیر پوشش "عوام فریبانه" سرباز حکومت اسلامی "مقاصد و نقشه های تبهکارانه و ضد مردمی امپریالیسم را آزادانه تبلیغ می کنند.

فلاحی در یادگان سنجج با صراحتی وقیحانه می گوید: "من با شورا در ارتش مخالفم" "ما به پرونده تمام کسانی که تا به حال مرتکب جرمی شده اند در دادگاه ویژه ارتش رسیدگی خواهیم کرد و به خدمت تمام کسانی که قطعنامه نوشته اند، تحصن کرده اند، اعتصاب غذا نموده اند و... خاتمه می دهیم"

"من با قاطعت اعلام می کنم که هیچ کس به عنوان نماینده در ارتش نداریم و نماینده همان کسی است که از بالاترین شده است. اگر بعد از این کسی به عنوان نماینده پرسنل معرفی شود. خود نماینده را اخراج خواهیم کرد. با هر درجه و سمتی که باشد."

مردم میهن ما قبل از همه و بیش از هر چیز باید از این حقیقت آگاه شوند که چنین سیاستی عملا به مغفوم سپردن قدرت مطلق به دست سرمایه داران، فرماندهان ارتش شاه و جاسوسان امپریالیسم است.

قدرت گرفتن تدریجی سران خود فروخته ارتش و سپردن سرنوشت جامعه به دست عناصری چون فلاحی ها، ظهیر نژادها، علوی ها و باقری ها یعنی پیش بردن اهداف امپریالیسم امریکادر

حیات سیاسی جامعه ما مسلط شود. این امر بدین جهت قویا دنبال می شود که بقای نظام سرمایه داری در گروی تثبیت و تمرکز قدرت اداری و سرکوبگر آن است. دو ارگان تشکیل دهنده ماشین دولتی یعنی ارتش و دستگاه اداری با هزاران رشته به امپریالیسم و طبقه سرمایه دار ایران مربوط می گردند و حیات یکی در گروی بقای دیگریست. به همین دلیل امپریالیسم و طبقه سرمایه دار ایران مجدداً در جهت ترمیم این دو دستگاه تلاش می نمایند مسئولیت اجرائی ترمیم و بازسازی ارتش بازمانده رژیم گذشته را فرماندهان ضد خلقی رژیم شاه به عهده دارند. فرماندهانی که پرورش یافته فرهنگ حکومت نظامی اند و اعمال آئین نامه های انضباطی سرباز خانهای را بر کل جامعه نظم کمال مطلوب خود می دانند. ژنرال های نظیر فلاحی ها، ظهیر نژادها، علوی ها و باقری ها و... که درجات روی دوششان از خدمات ننگین آنان به امپریالیسم امریکا و طبقه سرمایه دار ایران به سرکردگی شاه مزدور حکایت می کند، این نوکران صدیق امپریالیسم که سعی دارند توده ها را به قبول نظم سرباز خانهای وادارند، این سازمان دهندگان نظم دروغین که هنوز هوای قوانین و قراردادهای دست نخورده پیشین را تنفس می کنند، از حمایت بی دریغ طبقه سرمایه دار ایران برخوردارند و مورد تأیید سازشکاران و دوستان امپریالیسم هستند. همه آنها درجه متحدی علیه خلق قهرمان ایران مبارزه می کنند. آنان به شیوه اوپسی ها و از هاری ها می یادگان ها و تریبون های صدا و سیماي جمهوری اسلامی ظاهر می شوند و می گویند که "قاطعت" ضد انقلابی خود را ابتدا به پرسنل انقلابی ارتش و سپس توده های مردم و سازمان های انقلابی شان نشان دهند. آنها هنوز در "روای" روزهای طلائی حکومت نظامی شان هستند. حکومت نظامی ای را که توده های انقلابی به گور سپردند و دیگر اجازه بازگشت آن را نخواهند داد. این فرماندهان مزدور که شخصیت و تفکر و خصائلشان،

اعتراضات وسیع مردم

تصمیم به برقراری دور دوم انتخابات و گشایش مجلس گرفته شده است. و حتی آقای مهدوی کنی سرپرست وزارت کشور منکر تقلب شده و در هفتم فروردین می گوید: "بحث این است که آیا تقلب شده یا نشده؟ همانطور که من در بعضی مصاحبه های خود گفته ام آنچه به نام تقلب نامیده شده است، بیشتر تخلفاتی بوده که حتی شاکیان هم خود مرتکب آن شده اند و اگر تقلب هم در حوزه های انتخاباتی شده باشد، مسلماً آراء آن ابطال خواهد شد."

ما معتقدیم که این هیئت ویژه نه تنها تقلبات را بر ملا نخواهد کرد، بلکه بر تقلبات بزرگ و آشکار هم سرپوش خواهد گذارد. این هیئت ویژه به همان میزان در خدمت مردم عمل خواهد کرد که هیئت ویژه فرستاده از سوی شورای انقلاب برای حل مشکلات مردم گردستان عمل نمود و به همان میزان در کشف حقایق پشت پرده موثر خواهد بود که هیئت های بررسی از جانب رئیس جمهور، حقایق مربوط به ترور رهبران خلق ترکمن رادز اختیار مردم گذاشتند!

خطا شده باشد، با قاطعت رسیدگی خواهد شد. آقای بنی صدر نشان داد که عملاً برخلاف گفته خود زیر بار مجلس تقلبی خواهد رفت چراکه او در جستجوی "آرامش و امنیت" است و امنیتی که او می خواهد، توسط مجلس تقلبی و فرمایشی و ارتش امریکائی برقرار می شود. آیت الله خمینی با همه اعتراضاتی که از همه چهار گوشه ایران بلند بود، انتخابات را کامل و درست خواند و به ریاست رئیس جمهور، برای رسیدگی به تخلفات انتخاباتی ۷ نفر را مامور رسیدگی و تهیه گزارش نمود. اما این تصمیم واقعا نه برای تهیه گزارش تقلبات بزرگ حزب جمهوری اسلامی و تخلفات وزارت کشور و منصوبین آن بلکه برای بررسی تخلفات کوچک حوزه ها و ابطال آراء بعضی از آنها جهت خاموش کردن اعتراضات مردم است بطوریکه دکتر باهنر عضو شورای انقلاب بلافاصله پس از تشکیل کمیسیون ۷ نفره اظهار داشت: "پس از پانزده روز از ارائه گزارش کمیسیون ویژه انتخابات، دور دوم برگزار خواهد شد." و این می رساند که قبل از ارائه گزارش از جانب کمیسیون ویژه

نمونه ای از صدها گزارش انتخاباتی

پاسگاه تلفن کرد و ۵ پاسدار آمدند و سه نفر از ما را به کمیته شماره ۱ بردند. در آنجا پس از فحاشی از جانب پاسدارها، ما را در اطاقی حبس کردند و گفتند: "تا ساعت آخر رای گیری همین جا باشید." در اطاق زندانی بودیم که ۵ نفر دیگر هم به ما ملحق شدند که سه نفر از آنان پسر و دو نفر دختر بودند. پس از صحبت معلوم شد که آنان هم از هواداران سازمان هستند و آنها را هم از همان حوزه بد همان بهانه دستگیر و به اینجا آورده اند. ما هشت نفر تمام روز را در اطاق محبوس بودیم و در پایان روز که اخذ آراء به پایان رسیده بود، آزاد شدیم. گزارش بالا نمونه ای از صدها گزارشی است که توسط هواداران به دست ما رسیده است.

من همراه با ۴ نفر از دوستانم در روز برگزاری انتخابات به حوزه اول اتوبان کرج (جنب پاسگاه پلیس راه) مراجعه کردیم و مشغول نوشتن اسامی کاندیداهای سازمان چریکهای فدائی خلق در برگ انتخاباتی شدیم. در حین نوشتن یکی از پاسداها سرک کشید و نگاهی به اسامی کرده و با کمال بیشرمی گفت: "چی می نویسی؟ اینها مسلمان نیستند. فریب نخورید. چرا به اینها رای می دهید؟" بعد من اعتراض کردم و گفتم: "به تو چه مربوطه؟" و آقای پاسدار برگ انتخاباتی را از دستم گرفت و پاره کرد و چون با اعتراض دوست دیگرم روبرو شد، ورقه او را هم از دستش قاپید و پاره کرد. وقتی پاسدار با اعتراض همگی روبرو شد، بلافاصله از داخل

سانسور، دروغ و جعل حقایق را افشا کنیم

اقدامات ضد مردمی دادستان گنبد

بعد از جنگ تحمیلی به خلق ترکمن و پورش وحشیانه ارتش و پاسداران، اوضاع شهر گنبد همچنان آشفته و نابسامان است. مدارس شهر تعطیل است، فعالیت‌های اقتصادی کاملاً مختل گردیده و شهر کاملاً حالت غیرعادی دارد.

ترورهای وحشیانه مردم بی دفاع و قتل و غارت آنان آنچنان فضای ناامنی ایجاد کرده که ساکنین گنبد یا هنوز به شهر بازنگشته‌اند و یا اکثراً از منازل خود خارج نمی‌شوند. در چنین شرایطی که مردم اعلام نموده‌اند تا تضمین امنیت شهروندان دستگیری و محاکمه مصیبت‌برانگیز تحمیلی و عوامل ترور ۴ تن از فدائیان خلق و فرزندان دلاور خلق ترکمن، به شهر باز نخواهند گشت، دادستان انقلاب گنبد طی اطلاعیه‌ای مردم را تهدید نموده است که در صورت عدم بازگشت به شهر اموال و منازل آنها به نفع مستضعفین "مصادره" خواهد شد.

دادستان انقلاب گنبد که خود یکی از عوامل ترورهای ناجوانمردانه مردم بی دفاع

و ایجاد تشنج در منطقه است به شیوه‌های فاشیستی متوسل گردیده و در حالتی که قادر نیست مردم را برای بازگشت به شهر و عادی کردن منطقه متقاعد سازد، اقدام به ارباب نموده و مردم زخمکش شهر را تهدید به تصاحب خانه و کاشانه‌شان می‌نماید.

دادستان انقلاب گنبد که از جنگ تحمیلی اخیر تا به امروز همواره با اتخاذ مواضع ضد مردمی باعث آزار و اذیت زخمکشان شهر و روستا گردیده و به حمایت از زمین‌داران بزرگ و عناصر و عوامل وابسته به آنها پرداخته است، او و امثال او که به مخالفتی مجدانه با شوراها و انقلابی روستائی برخاسته و تعداد بی شماری از اعضای شوراها را بدو مجوز دستگیر و زندانی کرده‌اند، باید بدانند که اینگونه حرکات کوچک‌ترین تاثیری در وحدت و یکپارچگی خلق ترکمن و مردم مبارز ترکمن صحرا نداشته و سیاست‌هایی از این قبیل هرچه بیشتر به افشاء عوامل جنگ‌افروز در مقابل خلقهای میهنمان خواهد انجامید.

توطئه سکوت ترور فدائیان شهید رفقا توماج، مختوم، واحدی، جرجانی را محکوم می‌کنیم

جرا عاملین جنایات گنبد را به مردم معرفی نمی‌کنند؟

بعد از گذشت یکماه و نیم از ترور ناجوانمردانه فدائیان شهید رفقا توماج، مختوم، واحدی و جرجانی هنوز عاملین این جنایت به پیشگاه مردم معرفی نگردیده‌اند.

آقای بنی‌صدر که در مناظره تلویزیونی در مقابل مردم مجبور شد گفته‌های پیشین خود را درباره چگونگی شهادت این فرزندان دلیر خلق ترکمن پس بگیرد، با توجه به اینکه از چگونگی و عوامل این جنایت اطلاع دارد و با توجه به اینکه گزارشات دقیق ماجرا دریافت داشته، سکوت اختیار نموده و عملاً به مردم

دروغ می‌گوید. او از وحشت اینکه افشاء دست‌اندرکاران جنایات گنبد که در تاریخ بی سابقه است، بسیاری از واقعیات رژیم جمهوری اسلامی را برای خلق ما روشن خواهد ساخت، مسئله را مسکوت گذارده است.

سازمان ما برای چندمین بار اعلام می‌دارد که توطئه سکوت در مقابل اینگونه اعمال ننگین، خیانت به انقلاب و دستاوردهای مبارزات مردم بوده و هرچه زودتر باید عوامل آن در هر مقام و موقعیتی که هستند به پیشگاه خلق ایران معرفی و محاکمه و مجازات گردند.

فئودالها و زمینداران بزرگ علیه دهقانان متحد می‌شوند

انتخابات مجلس شورای ملی در یکی از روستاهای جیرفت (روستای بهجت آباد) جلسه‌ای تشکیل دادند که صدها نفر در این جلسه بطور مسلحانه شرکت نموده بودند. در این جلسه خوانین سوگند وفاداری نسبت به یکدیگر یاد کردند. آنها متعهد شدند که تعرض به هر کدام از خوانین را تعرض به خود تلقی نمایند و برای شرکت در مجلس شورای ملی نمایندگان واحدی معرفی کنند.

در انتخابات مجلس خوانین منطقه رودبار (بخش کهنوج) توانستند حجاج علیخان مهمی را در دور اول به مجلس بفرستند. در منطقه شهرستان جیرفت نیز کاندیداهای خوانین (ابراهیم پور و طیار) آراء زیادی کسب کردند و طیار به مرحله دوم رسید.

عباس‌خان منوچهری کاندیدی دیگر منطقه در حالی که خود معلم است، مورد حمایت خوانین منطقه ساردویه است.

خوانین جیرفت از یک طرف با خوانین بلوچستان رابطه دارند و از طرف دیگر با تیمسار مدنی در ارتباط نزدیک هستند. پس از انتخابات ریاست جمهوری و آراء نسبتاً زیادی که به نام مدنی در این منطقه به صندوق ریخته شد، اینک این تیمسار ارتش در صد ایجاد یک حزب سیاسی است که طبیعتاً استان کرمان پایگاه مهمی برای وی به شمار می‌رود. در جیرفت نیز اکثر زمین‌داران از مدنی حمایت می‌کنند.

پس از انتخابات ریاست جمهوری، مدنی فعالیت خود را برای متشکل کردن پایگاه حمایتی خود افزایش داده است. وی به دعوت خوانین جبال بارز (طیاری‌ها) و خوانین رودبار به جیرفت مسافرت کرد. تیمسار مدنی به منظور "سپاسگزاری" از زمین‌داران و خوانین یک جلسه سخنرانی در شهر تشکیل داد. این جلسه توسط گروهی از مردم به هم ریخته شد و تیمسار بنا پای برهنه مجبور به ترک جلسه شد.

خوانین جیرفت قبل از

فئودالها و زمینداران بزرگ شهرستان جیرفت، این روزها تلاش زیادی جهت متشکل نمودن خود و سرکوب روستائیان منطقه انجام می‌دهند. در رودبار و مناطق جنوبی جیرفت این تلاش‌ها شدت بیشتری دارد. خوانین منطقه رودبار تا دندان مسلح شده‌اند و در این راه از کمک مقامات استانداری و برخی از روحانیون نیز برخوردار می‌شوند. اینان در چند ماهه اول بعد از قیام تعداد زیادی از افراد مسلح خود را برای اعلام همبستگی به قم آورده و آیت‌الله خمینی دیدار کردند و به این ترتیب موقعیت خود را مشروعیت بخشیده و تشبیه کردند.

هم اکنون این منطقه عملاً در کنترل خوانین و زمین‌داران بزرگ است که همگی تفنگداران مخصوص به خود را دارند. اینها از روستائیان فقیر و سایر مردمی که در منطقه جنوبی جیرفت زندگی می‌کنند، به زور اسلحه باج می‌گیرند و کسانی را که حاضر به تمکین نباشند، به شدت مورد آزار قرار می‌دهند.

دهقانان الشتر و اتحاد پاسداران با فئودالها

خیابان‌های شهر دست به راهپیمایی زدند. اما در این هنگام پاسداران به آنها یورش برده و شروع به تیراندازی کردند. دهقانان با دیدن چنین وضعی با سنگ و چوب به مقابله برخاسته و پاسداران را به محاصره خود درآوردند. ولی پاسداران با کمک فئودال‌های محصل توانستند از محاصره بگریزند. به بالای پش بام‌ها رفته و شروع به سنگ‌گیری کردند. در این میان زخمکشان شهر به کمک روستائیان آمده با پرتاب سنگ به آنها یاری می‌رسانند.

این درگیری که از ساعت ۹ صبح شروع شده بود، سرانجام با پا در میانی ژاندارمری و پاسداران بومی باج‌گذاشتن تعدادی زخمی از طرفین، خاتمه پذیرفت.

پاسداران خواستند که به وضع غیرعادلانه توزیع مواد غذایی رسیدگی کنند که این بار نیز از طرف مسئولین پاسخ درستی به آنها داده نشد و هنگامی که چند تن از دهقانان به این بی‌اعتنائی اعتراض کردند، یکی از پاسداران به آنها حمله کرده و به کتک‌کاری آنها پرداخت.

این عمل موجب خشم دهقانان گردید. دهقانان که از دست سرمایه‌داران و بخشدار که از جانب مسئولین سپاه پاسداران حمایت می‌شوند، به تنگ آمده بودند، با شعارهایی چون مرگ سرمایه‌دار نزلخواه، مرگ بخشدار، مرگ برفئودال، به بخشداری حمله ور شدند. بخشدار که فهمیده بود دیگر نمی‌تواند با حيله و نیرنگ دهقانان را فریب دهد، مجبور به فرار شد. روستائیان که چنین دیدند، در

طی چند ماهه اخیر روستائیان الشتر که شاهد ورود مقدار زیادی روغن و دیگر مواد غذایی به بخش خود بودند، هرگاه برای گرفتن روغن مراجعه می‌کردند به جای دریافت روغن و مواد غذایی با توهین مسئولین مواجه می‌شدند. در حالیکه به چشم خود می‌دیدند چگونه روغن و دیگر مواد غذایی میان نزولخواه‌اران، ملاکین بزرگ و افراد بانفوذ تقسیم می‌شود.

روستائیان برای اعتراض به این عمل، چندین بار به بخشداری و سپاه پاسداران مراجعه کردند ولی هر بار اعتراض آنها با بی‌اعتنائی و توهین بخشدار، رئیس سپاه پاسداران روبرو بود تا اینکه در روز شنبه ۱۸ اسفند ۵۸ هزاران تن از روستائیان وارد شهر شده و به بخشداری رفته و از بخشدار و رئیس سپاه

از مبارزات شوراها دهقانی ترکمن صحرا برای زمین و صلح پشتیبانی کنیم



نامه یک کارگریکار برای نشر به کار :

کارگران متحد می شوند

ست که موجب موفقیتشان می شود .
دوم زیرکی حسابگرانه کارفرماست که به جای اضافه حقوق ، به دادن پاداش اکتفا می کند . یعنی برای اینکه به هر ترتیب که شده زیر بار افزایش حقوق نرود ، همان پول را به عنوان "پاداش" و چیزی فوق العاده (نه بعنوان جزئی از حقوق واقعی) به کارگران می پردازد .

قبول پرداخت پاداش ماهیانه ۲۰۰ تومان با کارگران وارد مذاکره می شود که کارگران نمی پذیرند و سرانجام با پرداخت ماهیانه ۵۰۰ تومان پاداش ماهیانه موافقت می کنند و کارگران سرکار برمی گردند . دو نکته در اینجا قابل توجه است :
اول مسئله اتحاد و همبستگی کارگران بچ پلنت

کارگران شرکت ایتال کنتراکتور (قسمت بچ پلنت) که از مدت ها پیش خواستار افزایش دستمزد بودند و هر بار نیز با وعده های مبهم رئیس قسمت مواجه می شدند ، سرانجام در روز ۹ اسفند بطور دستجمعی دست از کار کشیدند . کارفرما که انتظار این همبستگی و اتحاد کارگران را نداشت ، ابتدا با

دولت و کمیته

کارگران را روانه زندان می کنند!

دادند ، ۸ نفر بند ۱۸۰۱ نفر بند ۲ و ۱۷ نفر بند ۳ به خانواده های ما خیرندادند . (به جز سمنفر) یکماه در زندان بودم . بعد از یکماه مرا همراه ۵ نفر دیگر آزاد کردند . به ما گفتند : "که شما حق ندارید به بند عباس بروید ." ۱۰۰ تومان پول دادند و گفتند : "بروید شهر خودتان"

من بیرون که آمدم باز رفتم دنبال کار . دستم به جایی بند نشد . پیش یک آقای قدیمی (استادکار سابقم) رفتم ، اونم گفت "کار ندارم"

بله ، کار نیست . ایمن واقعیه . ولی بدبختی دیگری هم داریم . اونم اینکه کسه خیلی ها نمی خوان همین راهم باور کنند چه رسد به اینکه به فکر چاره ای هم برایش باشند . مثلا من در چهار راه مخبرالدوله دیدم مردم دارند بحث می کنند . منم داخل بحث شدم درباره وضع مملکت بود . منم واقعیت خودم را

گفتم . بعضی از افراد بودند که به جای اینکه با من همدردی کنند ، مخالفت می کردند . یکی می گفت "شما اصلا کارگر نیستید" یکی به من مارک ضد انقلاب چسباند . حرف فقط حرف خودشان بود و بس حرف حساب را هم قبول نمی کردند . می گفتند "به خاطر کار که هیچ کس را در زندان حبس نمی کنند" حبس نمی کنند یعنی چه ؟ همین حالا ۴۰ نفر از دوستان ما که از بند عباس ما آوردند ، هنوز در زندان هستند و تکلیفشان هم روشن نیست . یک طور باید درست به اینها حالی کرد ، باورشون بشه که وضع از چه قراره تا بشه مسئله رو بهتر حل کرد .

دولت و کمیته ، کارگران رو روانه زندان می کنند ، توی زندان کتکشان می زنند . اینم شد راه حل ؟ باید به ناباورها درست حالی کرد .

از شما خواستارم که این گفته های مرا در روزنامه کار به چاپ برسانید و سیاست های ضد کارگری دستگاه های دولتی و کمیته ها را برای مردم فاش کنید .

با احترام

من غلامحسین خاکستری هم و شغلم کارگریست . در شیراز به کار نقاشی مشغول بودم ، بعد چون بیکار شدم از شیراز رفتم به بند عباس در جستجوی کار . در شرکت ساختمانی روانج مشغول به کار شدم ، یکماه کار کردم ، گفتند دیگر کار نیست ، اخراج شدم . در بند عباس ۳ ماه بیکار بودم . بارها به کاریابی مراجعه کردم . گفتند برای ما لیست کار نیامده ، به اداره کار و امور اجتماعی رفتم ، گفتند به ما مربوط نیست ، یا برو اداره کار یابی یا کمیته . کاریابی که قبلا رفته بودم ، رفتم کمیته . در کمیته آقای حقانی گفت :

دوسه ماه صبر کنید تا کارها راه بیفتد .

یکماه دیگر آنجا معطل کار بودم . بعد رفتم به امور اجتماعی و آنجا با عده ای از کارگران بیکار مثل خودم روبرو شدم . حدود ۵۰۰-۴۵۰ نفر می شدند . توی رادیو - تلویزیون اعلام کرده بودند بیایید استانداری برای کار .

ما از ساعت ۹ صبح تا ۱ بعد از ظهر در استانداری منتظر ماندیم . نه از استانداری و نه از کمیته امام کسی نیامد یا ما صحبت کند . تصمیم گرفتیم تا نیابند یا ما صحبت کنند ، از استانداری خارج نشویم . تا ۱ بعد از نیمه شب داخل محوطه نشستیم . پول چندانی هم در بساط نداشتیم . پول هایمان را جمع کردیم ، نان خریدیم و نان خالی خوردیم . تا ساعت یک شب عده زیادی از ما رفته بودند . شدیم ۴۶ نفر .

دیدیم از کمیته امام و شهربانی به استانداری آمدند و ما را محاصره کردند و گفتند "سوار شین ، بریم" (نگفتند کجا) ما را سوار کردند و یک راست بردند زندان بند عباس . در زندان آن شب ۴ نفر از کارگران را ما نوران کمیته ای کتک زدند . صبح گفتند "شما را روانه تهران می کنیم و در تهران بانمایند آنجا صحبت کنید ."

وقتی ما را به تهران آوردند ، تحویل زندان اوین

مرگ جانگداز یک کارگر

این فقط یک حادثه نیست یک جنایت است . نمودی از جنایات هرروزه سیستم سرمایه داری است . با مرگ محمد مراد مرادی ، کارگر زحمتکش کرد ، زن و دوفرنزند خردسالش در روستاهای پاوه ، سرپرست و نان آورشان را از دست دادند و به همراه همه کارگران و زحمتکشان سوگوار شدند .

وسائل ایمنی و نقص فنی جرثقیل ریلی داخل تونل روی داد . شورای کارگری شرکت ، مسئله نقص دستگاه را قبلا بارها به مسئولین شرکت توضیح و هشدار داده بود ولی آنان به واسطه مطامع سود جویانه و غیرانسانی شان حاضر به تقبل حداقل هزینه لازم برای رفع نقص فنی نشده بودند .

محمد مرادی کارگر ۲۲ ساله شرکت ژاپنی "کوماگائی گومی" واقع در سد لار - لتیان ، روز ۲۸ اسفند در حین حفاری در عمق ۱۵۰ متری زمین جانش را از دست داد . در این حادثه چهار کارگر دیگر نیز شدیداً زخمی شدند که با تلاش فداکارانه دیگر کارگران از مرگ نجات یافتند . ایمن حادثه ناگوار به واسطه فقدان

برخوش نشینان دینور چه می گذرد

و سرمایه داران به اعتراض و دادخواهی برخاسته اند . آنها بارها به شورای انقلاب و اخیراً به رئیس جمهوری متوسل شدند ولی با بی اعتنائی مسئولین روبرو هستند . آنها می بینند که دولت در برابر اینهمه ظلم ساکت نشسته است ، در برابر قطع باغات مشجر ، شخم زدن کشتزارهای سرسبز و حمله مسلحانه به خانه های خوش نشینان ، ضرب و شتم دهقانان در ملاء عام توسط فئودال ها و عوامل مزدورشان و در تمام این موارد همچنان به سکوت خود ادامه می دهد و حتی دیده شده است که فئودال ها را مورد حمایت قرار می دهد . آنها می بینند که تا به امروز طرح اصلاحات ارضی به اجرا در نیامده و چه بسا که این حکومت هرگز آن را به اجرا در نیاورد !

در اختیار آنان است . اما با اوج گیری مبارزات زحمتکشان میهنمان در جریان قیام ، دهقانان و خوش نشینان منطقه بی اعتناء به زمین داران بزرگ و سرمایه داران خود راساً به کشت زمین ها مشغول شدند که این عمل با مقاومت فئودال ها و سرمایه داران روبرو گردید و توسط عمال مزدور خود و با توسل به زور ، شبانه با تراکتور مزارع سرسبز گندم ، یونجه ... را که دهقانان کاشته بودند ، شخم زده و دهقانان را از زمین ها بیرون راندند . خوش نشینان و دهقانانی که از زمین هایشان رانده شده و وسیله معیشت خود را از دست داده اند ، و با وجود بیکاری عظیمی که در شهر و روستا وجود دارد ، محکوم به مرگ تدریجی اند ، در برابر اینهمه سال ستم از جانب زمین داران

در دهستان دینور بخش صحنه کرمانشاه با محدوده چهل کیلومتر که حدوداً ۱۰۰ هزار نفر جمعیت و ۵۰ دهکده دارد ، پس از تقسیم اراضی فرمایشی شاهنشاهی ، عده کثیری از دهقانان از هستی ساقط شدند بطوریکه در هر قریه از ۵۰ خانوار ، ۲۰ و حتی ۲۵ خانوار به خوش نشینانی بدل شدند که از کلیه حقوق اجتماعی محروم بودند . خوش نشینانی که نه کشاورزند ، نه روستائی و نه شهری بلکه آوارگانی که تنها امکان زندگی شان کار در شهر است که بطور نامنظم به آن می پردازند و این در حالی است که بیشتر زمین ها در اختیار فئودال ها و زمین داران بزرگ به بهانه کشت مکانیزه قرار گرفت ، بطوریکه در هر قریه از ۱۰۰ الی ۱۰۰۰۰ هکتار زمین و باغاتی که وجود دارد ، اکثراً

کارگران کارخانه پلاستیک قم

در نتیجه اتحاد به پیروزی رسیدند

کارخانه هنر پلاستیک، سازنده لوازم خانگی پلاستیکی، واقع در ۳ کیلومتری قم، ۶۵ کارگر و ۵ کارمند دارد. کارگران این کارخانه تا کنون موفق نشده‌اند، شورایی از نمایندگان واقعی خود تشکیل دهند. از قیام بهمن ماه تا کنون چندین بار تصمیم گرفته‌اند که نمایندگان از خود تعیین کنند ولی هر بار توسط کارفرما، ابریشم چی و عوامل خود فروخته‌اش سرکوب شده‌اند. کارگران این کارخانه روزانه ۱۲ ساعت در بدترین شرایط کار می‌کنند و روزه‌های جمعه به ویژه تعطیلات عمومی و رسمی کار کردن اجباری است آن هم بدون اضافه حقوق! از اوایل ماه گذشته کارگران مبارز این کارخانه برای چندین بار تصمیم می‌گیرند با انتخاب نمایندگانشان، خواستهای برحقشان را دنبال کنند. کارگران طی چند جلسه بحث و گفتگو ۱۳ نفر را از بین خودشان به عنوان نماینده انتخاب می‌کنند. کارفرما که به وسیله چند تن از عواملش از چگونگی انتخابات مطلع می‌شود، باردیگر شروع به توطئه چینی می‌کند و برای برهم زدن تشکل کارگران ابتدا دو تن از نمایندگانشان را به این عنوان که "کمونیست" هستند و کارگران دیگر را تحریک می‌کنند، خود براسه اخراج کرده و قسمت و محل کار بقیه نمایندگان و چند تن دیگر از کارگران را عوض می‌کند تا آنها نتوانند بنا یکدیگر صحبت کنند.

به دنبال اخراج این دو کارگر مبارز و آگاه، روز بعد یعنی چهارشنبه ۲۷ بهمن ماه کارگران شیفت صبح در داخل کارگاه دست به اعتصاب زده و خواستار بازگشت دو نماینده اخراجی می‌شوند. کارفرما که از این حرکت انقلابی کارگران به خشم آمده بود، حکم اخراج ۱۵ کارگر دیگر را صادر می‌کند و از آنها می‌خواهد که هر چه زودتر کارخانه را ترک کنند. کارگران بدون اعتنا به حکم خویشاوندانه کارفرما، همچنان به اعتصاب خود ادامه می‌دهند.

این بار کارفرما برای مقابله با خواستهای برحق کارگران از همان شیوه‌های سرکوب

رژیم سابق استفاده می‌کند و به زاندارمery تلفن می‌زند و برای مقابله با کارگران از ماموران مسلح یاری می‌طلبد. افراد مسلح زاندارمery وارد کارخانه می‌شوند و حکم اخراج ۱۵ کارگر مبارز را به زور سرنیزه به اجرا درمی‌آورند. روز بعد ۱۱/۱۸ ساعت بعد از ظهر کارگران شیفت صبح همراه کارگران اخراجی در کانون کارگران قم اجتماع می‌کنند و ضمن در میان گذاشتن مشکلاتشان بنا نمایندگان کارخانه‌های دیگر شکایتی به دادگاه انقلاب قم و وزارت کار می‌نویسند و در این شکایت ابتدائی ترین حقوقی را که از آن محرومند، مطرح

تحصن و به دنبال تماشای مرکز چند تن از نمایندگان کارگران با دادگاه انقلاب قم، سرانجام مقامات مسئول مجبور می‌شوند برای رسیدگی به وضع کارگران، دادگاهی تشکیل دهند. کارگران دست از تحصن کشیده و همگی در دادگاه حاضر می‌شوند و در دادگاه حقانیت خویش را به اثبات می‌رسانند و با گرفتن مجوز قانونی کارفرما را مجبور به قبول خواستهایشان می‌کنند. کارگران پیروز بازگشت به کارخانه تصمیم می‌گیرند شورایی از نمایندگان خود تشکیل دهند که حافظ حقوق و منافعشان بوده و خواستهایشان را تحقق بخشد

*** مجوز قانونی حقوق صنفی کارگران باید قانون کار باشد نه قوانین دیگر. کارگران باید کل قانون کار ضد کارگری فعلی را مورد چون و چرا قرار دهند و این امر تنها با شرکت موثر و فعال نمایندگان واقعی کارگران در تدوین قانون کار جدید می‌تواند عملی شود.**

می‌کنند:

- ۱- حق تعیین نماینده
- ۲- کاهش ساعات کار از ۱۲ ساعت به ۸ ساعت
- ۳- اضافه کاری باید با نظر کارگران باشد.
- ۴- دادن سود ویژه
- ۵- دادن لباس کار
- ۶- دادن ناهار
- ۷- مرخصی سالیانه به مدت ۳۰ روز

روز یکشنبه ۲۱ بهمن، کارگران برای رسیدگی به شکایتشان به اداره کار مراجعه می‌کنند ولی با جواب سربالا از آنجا برمی‌گردند. اداره کار به کارگران می‌گوید: "ما مطابق قانون عمل می‌کنیم و کارفرمای شما طبق ماده ۳۳ قانون کار، حتی اگر از قیافه کارگری خوشش نیاید می‌تواند اخراجش کند. بنابراین از ماکاری ساخته نیست"

کارگران تصمیم می‌گیرند به فرمانداری قم مراجعه کنند ولی در آنجا نیز نتیجه‌ای نمی‌گیرند.

روز سه شنبه ۲۱ بهمن از ساعت ۸ صبح در اداره کار تحصن می‌شوند. در جریان

این تجربه که در آن کارگران سرانجام از طریق دادگاه انقلاب قم و با اتکا به حکم دادگاه، مجوز قانونی برای اثبات حق خود می‌یابند، قبل از هر چیز باید کارگران مبارز قم را به این نتیجه رهنمون شود که:

هر چند این حکم دادگاه انقلاب که معطوف به خواست و حرکت انقلابی کارگران بوده و در جهت تأیید آن است، حکمی مترقی و قابل تقدیر است ولی مجوز قانونی حقوق صنفی کارگران بایستد قانون کار باشد نه قوانین دیگر. کارگران باید ماده ۳۳ را که دست و پایشان را می‌بندد، و مهم‌تر از آن کل قانون کار ضد کارگری فعلی را مورد چون و چرا قرار دهند و این امر نه با توسل به دادگاه‌ها بلکه تنها از طریق شرکت موثر و فعال نمایندگان واقعی‌شان در تدوین قانون کار جدید می‌تواند عملی شود.

کارگران مبارز پلاستیک قم با تشکیل شورای انقلابی‌شان قدم اول را در این راه بر میدارند.

زحمتکشان و گرانی مسکن

دولت و تشویق خانه‌سازی تنها از طریق وام دادن منجر به لوکس‌سازی و بدهکار شدن خریداران تابان حد میگردد که تا دوسوم درآمد ماهانه‌شان را باید برای پرداخت قسط خانه بپردازند تشویق خانه‌سازی بدین ترتیب که نتیجه‌های جز غارت خریداران ندارد به امر مشکل مسکن در سطح جامعه نیز پاسخ نمی‌دهد. مشکل مسکن را آن فراوان و در دسترس است (آب، خاک، چوب، آهن، شیشه و کارگران بیکار) باید بطور بنیادی و براساس منافع

از ابتدای پیروزی مردم ایران بر رژیم سلطنتی، زحمتکشان شهری درخواست حل مشکل مسکن و کاهش اجاره‌بهای کم‌رشد را کرده‌اند دولت وعده‌های بسیار داده و از طرح‌های رنگارنگ سخن گفته است ولی از حل مشکل مسکن که عاجز مانده هیچ، کرایه خانه زحمتکشان که اکثرًا تک اطاقی است، افزایش هم یافته است.

علت عدم موفقیت دولت در یکسال گذشته در این مورد چیست؟

دولت ابتدا به پرداخت وام اقدام کرد و سپس با عدم موفقیت این روش و فشار شدید زحمتکشان، بهره‌وام مسکن را کاهش داد. توزیع زمین و تشویق بی‌خانه‌ها به ساختن خانه بطور فردی و نتایجی که از آن گرفته شد، خیالی بودن این روش را نشان داد. اگر روش اول مستقیماً سرمایه‌داران بخش ساختمان را در کسب سود مثل گذشته یاری رساند و مشکل مسکن همچنان باقی ماند، روش دوم بی‌خانه‌ها را یک چندی فریفت و تنها تعداد انگشت شماری از آنان را راضی کرد. دولت در هر دو اقدام همان روابط استثمارگرانه قبلی را در امر خانه‌سازی تحت عنوان ایجاد ابتکار خصوصی برقرار و تقویت کرد.

تقریباً همان روابط قبلی بر خانه سازی مسلط است. باز هم سرمایه‌داران بخش ساختمان اعم از واسطه‌های فروش مصالح، ساز و بفروش‌ها، بنگاه‌های معاملات ملکی سرنوشت ساختمان سازی را با توجه به کسب حداکثر سود برای خود در دست دارند دولتی که در حرف بنا زحمتکشان و در عمل بنا سرمایه‌داران است، فریه‌تر شدن سرمایه‌داران بخش ساختمان را از طریق اعطای وام به خریداران خانه مثل گذشته منتهی در سطوح پائین‌تری با توجه به عدم وجود قدرت خرید متقاضی مسکن موجب می‌شود.

اگر دولت می‌خواست در عمل و نه در حرف مشکل مسکن میلیون‌ها زحمتکش را حل کند، می‌بایست چه می‌کرد؟ تجربه گذشته نشان می‌دهد به اصطلاح بیطرف ماندن

*** مشکل مسکن را باید براساس منافع زحمتکشان حل کرد، نه بر اساس محاسبات سودجویانه سرمایه‌داری.**

جامعه و به ویژه منافع زحمتکشان حل کرد و نه بر اساس محاسبات سودجویانه سرمایه‌داری. خطوط زیر را می‌توان برای اتخاذ یک سیاست مردمی در امر مسکن مشخص کرد:

- ۱- ایجاد صنایع دولتی تولید مصالح ساختمانی
- ۲- ایجاد شرکت‌های تعاونی مسکن کارگران، کارمندان، پیشه‌وران و دهقانان کم درآمد
- ۳- تبدیل وزارت مسکن به وزارت ساخت خانه‌ارزان قیمت با برنامه‌های دقیقاً زمان‌بندی شده برای ساختن صدها هزار واحد مسکونی در سال
- ۴- قدغن کردن خرید و فروش خانه‌های مذکور
- ۵- دریافت قیمت خانه‌های مذکور در بلندمدت، بطوریکه قسط ماهانه آن از حدود یک پنجم درآمد ماهانه تجاوز نکند.

چنانچه دولت چنین سیاستی را اتخاذ کرده بود، تاکنون نه تنها دهها هزار واحد مسکونی جدید ساخته شده بود و به همان نسبت زحمتکشان از چپاول بیش از نیمی از درآمدشان به وسیله پرداخت اجاره‌بهای سنگین رهایی یافته بودند، برای بخش قابل توجهی از میلیون‌ها کارگر بیکار نیز کار فراهم شده بود.



می‌کشند و با اتکا به پیام امام از پرسنل انقلابی ارتش می‌خواهند که دوباره به همان مقررات رژیم سابق گردن نهند تا زمینه تحکیم سلطه امپریالیسم امریکا دوباره فراهم شود.

در کارخانه‌ها، کارفرمایان و سرمایه‌داران با گستاخی کارگران را به اخراج، بازداشت و غیره تهدید می‌کنند. سرمایه‌داران و کارفرمایان اینک آشکارا به اجبر کردن مزدوران و چاقوکشان پرداخته و می‌خواهند هر طوری که شده اتحاد و مبارزه کارگران را برهم زنند.

در روستاها فئودال‌ها و زمین‌داران بزرگ و مزدوران آنها بزرگ زمین را برای تهاجم علیه دهقانان زحمتکش هموار یافته‌اند.

ارتش دوباره با گستاخی و به بهانه ایجاد امنیت به سرکوب و کشتار خلق کرد برخاسته و فجایع روزهای اخیر را آفریده است. شبکه‌های ساواک که در سازمان امنیت جدید (ساواک) در حال شکل‌گیری هستند، فعالیت خود را تشدید کرده و برای خدمت به امپریالیسم و سرمایه‌داری وابسته، برنامه جامعی تدوین کرده‌اند. خلاصه آنکه جنبه ضدانقلاب با گستاخی بیشتری علیه مردم و علیه انقلاب دست به تهاجم زده است.

و بی تردید طبقه سرمایه‌دار ایران و امپریالیسم جهانی با خشنودی تمام پیام آیت‌الله خمینی را از یکسو برای بسیج دستگاه‌های سرکوب کوه بالاخره دیر یا زود باید برای نبرد نهایی با زحمتکشان ایران آماده شوند به کار می‌گیرند و از سوی دیگر خواهند کوشید آن دسته از مردم را که هنوز به آگاهی طبقاتی کافی دست نیافته و نمی‌توانند دوستان و دشمنان خویش را از هم متعین کنند. علیه انقلاب و علیه نیروهای انقلابی بسیج کنند. در چنین شرایطی است که اتحاد عمل همه نیروهای ترقیخواه و ضد

امپریالیست اعم از ملی و مذهبی و انقلابیون کمونیست، بیش از هر زمان دیگر ضرورت می‌یابد عناصر آگاه به ویژه فدائیان باید بیش از هر زمان دیگر در هر گوشه مبین که هستند، مردم را از خطراتی که خون شهدایمان، که ثمرات مبارزاتمان و انقلاب شکوهمندمان را تهدید می‌کند، آگاه سازند. طبقه کارگر، دهقانان، پیشه‌وران، کسبه و روشنفکران ایران امروز در نبردی سرنوشت ساز با سرمایه‌داری وابسته به امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا و با همه احزاب، محافل و باندهای وابسته به آن درگیرند. مردم هر روز آگاه‌تر و طبیعتاً متحدتر و متشکل‌تر می‌شوند و در این کشاکش تردید و تزلزل همه کسانی که قادر به مبارزه پیگیر و فاطح با امپریالیسم نیستند، تردید و تزلزل کسانی که می‌خواهند مالکیت خصوصی سرمایه‌داری را حفظ کنند، در مبارزه پیگیر علیه امپریالیسم روز به روز بیشتر آشکار می‌شود. آیت‌الله خمینی و همه روحانیونی که تاکنون با امپریالیسم مبارزه کرده‌اند، دوراه بیشتر در پیش روی ندارند. باید سخن خلق را بگویند و در کنار خلق قرار بگیرند و یا برای جلوگیری از ادامه مبارزه مردم زحمتکش با کسانی که تا دیروز روی روی بودند در کنار هم قرار گیرند.

وبالاخره برای همه این مسئله مطرح است که چه تغییراتی موجب شده است در مقایسه با ماه‌های گذشته در سیاست و سمت‌گیری آیت‌الله خمینی چرخش تازه‌ای پدید آید؟

پیام خود روشنگر این مسئله است. پیام خود نشان می‌دهد که:

اولاً - جنبش توده‌ای ابعاد و عمق بیشتری یافته است و خواست‌های مردم تا حد نقض حرمت سرمایه و مالکیت خصوصی، نقض قوانین نظم طبقاتی پیش رفته است. جنبش توده‌ای باز هم شکوفاتر خواهد شد.

ثانیاً - نشان می‌دهد که جنبش انقلابی و در رأس آن جنبش کمونیستی ایران نسبت به گذشته قوت و قدرت بیشتری یافته است. جنبش کمونیستی باز هم قدرتمندتر خواهد شد.

پیام هراسی را به نمایش گذاشته است. هراسی که احساس می‌کند زمان به زیبان نظام‌های سیاسی مطلوب ایشان مشغول است. پیام انعکاس واقعیتی است که آینده امیدبخشی را نوید می‌دهد!

ترور توماج و هم‌زمان شده بود، چرا به مطبوعات دادند و به کیهان دستور دادند و زور آوردند که آن را چاپ کند؟ اگر مطبوعات آزاد هستند پس چرا اعلامیه‌های فرمایشی برای آنها می‌فرستند؟ پس چرا آئیندگان را به زور تعطیل کردند و تا امروز هم یک کلام از همان احکام شرعی و قانونی در مورد علت تعطیل و بازجویی‌ها و اظهارات هیئت تحریریه آئیندگان و اتهاماتی که به آنها وارد کرده بودند، انتشار ندادند؟

از این رادیو - تلویزیون در تمام مدت بعد از قیام مردم چه شنیده‌اند؟ این رادیو - تلویزیون در تمام این مدت جز دروغ‌گویی، عوام‌فریبی، و جعل اخبار چه کرده است؟ روزهای قبل از جنگ کردستان را به خاطر بیاورید. چقدر سفاشی کردند که جنگ راه‌میاندازند؟ جنگ گنبد را به خاطر بیاورید. جریان ربودن فرزندان آیت‌الله طالقانی و هزاران هزار دروغی که این رادیو - تلویزیون به خورد مردم داده است، همه و همه گواه آن است که این دستگاه نه آزاد است، نه مستقل است و نه بیطرف و نه جای طرح همه‌گونه انتقاد. رادیو - تلویزیون و مطبوعات فقط وقتی واقعاً آزاد و مستقل خواهند بود که مشی و سیاست حاکم بر جامعه از اساس دگرگون شده باشد.

انتشار فرمان آیت‌الله خمینی در مورد آزادی ساواکی‌ها و جنایتکاران رژیم شاه و به دنبال آن قرائت این پیام نوروزی در مقایسه با زمانی که در سفارت اشغال شد، حاکی از چرخشی است که در سیاست و سمت‌گیری ایشان حاصل شده است. هر کس که این پیام را و آن فرمان را می‌خواند آنها را با سخنان آیت‌الله در مقطع تسخیر سفارت مقایسه می‌کند و می‌بیند که به همان اندازه که آن حرف‌ها برای امپریالیست‌ها، برای حکومت امریکا و جمعی کارترها تلخ و ناگوار می‌آمد، این سخنان برای او و امثال او امیدوارکننده و نویدبخش است. متن نامه کارتر که از طرف "دفتر امام" انتشار یافته است، بهترین گواه

خشنودی و استقبال امریکا از این چنین پیام‌هایی است. آیت‌الله قمی و آیت‌الله مرعشی که از مرتجع‌ترین روحانیون ایران هستند، طبعی پیام‌هایی از صدور فرمان عفو ساواکی‌ها و جنایتکاران رژیم سابق قدردانی و آن را تأیید کرده‌اند. پیام نوروزی تسلی‌خاطری بود بر دل زخم خورده سرمایه‌داران و ملاکینی که از دست مردم به تنگ آمده‌اند، چرا که امام ثروت‌ها و املاک آنان را تحت حمایت خود گرفت و این حمایت با توجه به نفوذ امام برای سرمایه‌داران و ثروتمندان موهبت بزرگی است. فرماندهان ارتش از این پیام بسیار بسیار راضی هستند و برای مقامات اداری از این بهتر چیزی به عنوان عیدی نبود که دریافت دارند و از آن طرف هزاران سرباز و درجه‌داری که در ارتش و شهربانی و ژاندارمری خدمت می‌کنند، طبیعتاً از اینکه هر روز زورگویی و اجحاف و قلندری فرماندهان امریکایی بیشتر در ارتش رایج شود، راضی نیستند. کارگرانی که دیگر مزد ناچیزشان کفاف مخارج کمرشکن زندگی را نمی‌دهد، از این پیام که آنها را دعوت به کار بیشتر برای سرمایه‌دار بدون مزد بیشتر می‌کند، راضی نیستند. کارگران و کارمندان و مصلحان و دانشجویان و استادانی که دسته دسته اخراج می‌شوند

نه تنها به خوبی می‌فهمند که این پیام چیزی عاید آنها نمی‌کند، بلکه به وضوح می‌بینند که پیام از کارفرمایان، روسا و مدیران و زورگویی‌ها و پشتیبانی و جانبداری کرده است. خانه‌بده‌شهایی که خانه‌های خالی سرمایه‌داران بزرگ را اشغال کرده‌اند، پیام امام را به مثابه حکم اخراج خود از آن خانه‌ها تلقی کرده‌اند. دهقانانی که پس از یک عمر مبارزه زمین را از چنگ ارباب درآورده‌اند، می‌بینند که پیام به آنها می‌گوید باید زمین را به ارباب پس بدهی زیرا این عمل تو غیر شرعی و خلاف بوده است.

از هنگام قرائت پیام امام، فرماندهان جنایتکار ارتش اقدامات علیه پرسنل انقلابی ارتش را تشدید کرده‌اند. آنها برای پرسنل انقلابی، برای سربازان، درجه‌داران و افسران مبین پرست و مردم دوست، خط و نشان

پیام نوروزی آیت‌الله...

بقیة از صفحه ۴

دهقانان می‌گویند زمین‌داران بزرگ که رحمت نمی‌کشند، حق بردن محصول را ندارند. زمین مال کسانی است که روی آن کار می‌کنند این حرف دهقانان حرف حق است، قانون است، عدالت است و هر شرعی که مخالف این باشد بی عدالتی است. هیچ کس حق ندارد زمین را از دهقان بگیرد هیچ کس حق ندارد کارگر را از کار اخراج کند کارمند را اخراج کند. ممکن است امروز کارگرانی که از کار اخراج می‌شوند دهقانانی که زاندارم‌ها به زور اسلحه زمینشان را پس می‌گیرند و به مالک می‌دهند، مردمی که امروز بی‌خانه و کاشانه مانده‌اند، زورشان به اسلحه پاسدار و تفنگ زاندارم و توپ و تانک ارتش نرسد، لاکن بالاخره مردم ریشه ظلم و ستم سرمایه‌داری را بر خواهند کرد و امپریالیسم را برای همیشه در ایران به گور خواهند سپرد. استقلال کامل مبین را به چنگ خواهند آورد. برای همه کار و مسکن تامین خواهند کرد کارگران و زحمتکشان آزادی از بند ستم سرمایه‌دار و فئودال را به چنگ خواهند آورد. در این هیچ‌گونه تردیدی وجود ندارد.

آیت‌الله خمینی می‌گویند: "اکثر ضریبات مهلکی که به این اجتماع خورده است، از دست اکثر همین روشنفکران دانشگاه‌رفته‌ای است که همیشه خود را بزرگ می‌دیدند و می‌بینند و تنها حرف‌هایی می‌زدند و می‌زنند که دوست به اصطلاح روشنفکر دیگرش بفهمد و اگر مردم هیچ نفهمند نفهمند زیرا دیگر چیزی که مطرح نیست مردم اند و تمام چیزی که مطرح است خود اوست." این قضاوت در باره اکثر روشنفکران دانشگاه رفته ایران قضاوتی عادلانه نیست. کجا اکثر روشنفکران دانشگاهی ما به این اجتماع ضربه مهلک زده‌اند؟ مگر همین دانشگاه نبوده است که همیشه و در تمام طول حکومت جبار پهلوی سنگر مبارزه و آزادیخواهی و انقلاب بود؟ حالا چطور شده که اکثر دانشگاهیان به این جامعه ضربه مهلک زده‌اند؟ به کدام منطق انتظار دارید مردم حرفتان را بیاور کنند؟

ما و همه نیروهای انقلابی همواره گفته‌ایم و می‌گوئیم اکثر جوانان دانشگاهی ایران دوست و دلنواز مردم اند. آنها به مردم ورشد و تعالی فرهنگ و مبارزه انقلابی یاری رسانیده‌اند. آنها یک نکته بسیار قابل تعمق در این بند نهفته است. آیت‌الله خمینی می‌گویند: "... حرف‌هایی می‌زدند و می‌زنند که دوست به اصطلاح روشنفکر دیگرش بفهمد و اگر مردم هیچ نفهمند - نفهمند" کسانی که به صحبت‌های آیت‌الله گوش داده باشند و در آن دقت کرده باشند، معنای این کلام را بهتر می‌فهمند. زبان ایشان زبانی است که توده مردم در زندگی روزمره خود با آن آشنا است. این طرز و شیوه حرف زدن با مردم باید سرتق و دستورالعمل روشنفکران انقلابی خلق قرار گیرد. کم نیستند روشنفکران دانشگاهی که وقتی با مردم حرف می‌زنند، مردم زبان آنها را نمی‌فهمند.

طرز حرف زدن برخی نشریات گروه‌های سیاسی را با مردم ببینید که تا چه اندازه وسیع ترین توده‌های مردم از آن حرف‌ها سردر می‌آورند!

در صد ۱۲ پیام آمده است: "من بارها گفتم که مطبوعات باید مستقل و آزاد باشند" - هم چنین رادیو تلویزیون باید مستقل و آزاد باشد و همه گونه انتقاد را با کمال بیطرفی ستر سازند تا یار دیگر شاهد رادیو تلویزیون نا، بخلوع نگردیم.

این عبارت نمی‌تواند مورد تأیید و حمایت سروهای مترقی و آزادیخواه قرار گیرد. هر چند که پیام در عبارت بعد این حرف را نقض می‌کند و به مطبوعات اخطار می‌کند که نباید دست از پا خطا کنند. اگر نمی‌گوئید مطبوعات باید مستقل و آزاد باشند پس آن اعلامیه کذایی گروه چریکی مجعول را که مدعی

سیاست‌های "گام به گام" گام به گام شاه را به ایران نزدیک میکند

قریب پنج‌ماه از اشغال جاسوسخانه امپریالیسم آمریکا می‌گذرد. در این مدت ما شاهد میتینگ‌ها و تظاهرات میلیونی مردم مبارز میهنمان بودیم. در تمام این حرکت‌ها خلقهای تحت ستم ایران با ارادهای واحد خواهان استرداد شاه جنایتکار و محاکمه انقلابی او و بازگرداندن ثروت‌های به یغما رفته خود شدند.

امپریالیسم آمریکا که از حرکت عظیم تودم‌های و جو ضد امپریالیستی حاکم بر ایران و منطقه به وحشت افتاده بود، کوشید تا با توسل به پیکرشته مانورهای سیاسی، نظامی و اقتصادی موقعیت خود را در منطقه که به شدت تضعیف شده بود، تقویت نماید. جو ضد امپریالیستی حاکم بر ایران موجب شد که دست و پای مدافعان سیاست‌های "گام به گام" در پوست گردو بماند و تحرک سیاسی‌شان کاهش یابد. امپریالیسم آمریکا برای فعال‌تر کردن عوامل وابسته به خود و تخفیف جو ضد امپریالیستی و برای منافع آتی خود، شاه مخلوع را در ۲۶ آذر ۱۳۵۸ با یک هواپیمای نیروی هوایی آمریکا روانه پاناما کرد. برخلاف داستان پردازی‌های های عوام‌فریبانه قطب‌زاده و شورای انقلاب، دولت پاناما از شاه به عنوان یک رئیس دولت پذیرائی نمود. در ابتدای اشغال مرکز جاسوسی آمریکا، دوستان و جاسوسان آمریکا، در پیشگاه مردم افشا گردیدند که در ادامه‌اش جنبه سرمایه‌داران لیبرال (و بویژه شورای انقلاب) را به واکنش‌های آشکار و تند در جهت جلوگیری از تداوم این مبارزه و انحراف آن واداشت. آنان کوشیدند تا لبه تیز تیغ حمله را از امپریالیسم آمریکا منحرف نموده و از نفرت ضد امپریالیستی مردم در جهت تحکیم موقعیت خود بسود جویند.

قطب‌زاده که در دوران تصدی مسئولیت رادیو و تلویزیون ماهیت ضد مردمی و جنگ افروزانه خود را نشان داده بود، در پیست وزارت خارجه نیز به تحمیل توده‌ها پرداخت و از نفرت توده‌ها علیه شاه جنایتکار به نحوی مزورانه در تحکیم موقعیت خود سود جست. او در آخرین ساعات تبلیغات برای انتخاب رئیس جمهوری، دروغی شاخدار با بزرگ‌ترین تیتیر ممکنه در روزنامه‌ها درج نمود که شاه در پاناما دستگیر شده است و چنین وانمود کرد که این اقدامات در پرتو

سیاست‌های "داهیان" ایشان مقدور و میسر است تا از طریق این عوام‌فریبی‌ها راه را برای احراز ریاست جمهوری هموار نماید. در صورتی که در همان زمان دولت پاناما با تمام امکانات خود از شاه جنایتکار پذیرائی می‌نمود.

وزیر امور خارجه و شورای انقلاب که بنا به سوابق گذشته‌شان می‌توانند یک شبه پرونده قطوری علیه نیروهای انقلابی و ضد امپریالیست تهیه و تدارک ببینند، این بار بنا بر وظیفه "شرعی" خود تمایلی جهت تنظیم پرونده جنایات و خیانت‌های سی و هفت ساله شاه که فقط یک مورد اتهامش هفتاد هزار کشته و صدها هزار زخمی است، نشان ندادند. شورای انقلاب و وزیر امور خارجه‌اش با داشتن وکلای بین‌المللی متعدد، تنها یک روز مانده به مهلت تعیین شده از طرف دولت پاناما و مسافرت شاه به مصر

سازشکاران کوشیدند تا لبه تیز تیغ حمله را از امپریالیسم آمریکا منحرف نموده و از نفرت ضد امپریالیستی مردم در جهت تحکیم موقعیت خود بسود بجویند.

پرونده‌های ناقص که انگار برای تبرئه شاه تنظیم شده بود، تدارک می‌بینند و بدین طریق تمام شرایط مساعد جهت مسافرت شاهانه به مصر فراهم می‌گردد.

امپریالیسم آمریکا، دولت پاناما و شورای انقلاب و وزارت امور خارجه قطب‌زاده می‌کوشند تا در آخرین ساعات پرواز شاه جنایتکار به مصر، به قیمت چند ساعت توقف اضافه‌شاه در پاناما گروگان‌ها را آزاد نمایند. این سناریو بدین طریق تنظیم می‌شود که اگر گروگان‌ها آزاد شوند، دست دولت پاناما از نظر افکار عمومی باز خواهد

بود تا در مورد بازداشت شاه تصمیم گرفته شود. وزیر امور خارجه می‌کوشد تا تمام کاسه‌کوزه‌ها را بر سر دانشجویان مستقر در لانه جاسوسی خرد کند که اگر آنها گروگان‌ها را آزاد کرده بودند ما می‌توانستیم خیلی کارها انجام دهیم.

وزیر امور خارجه در آخرین مصاحبه خود به دفاع از امپریالیسم آمریکا و اسرائیل صهیونیست برمی‌خیزد و چنین وانمود می‌کند که حتی اسرائیل از پذیرش شاه استقبال نکرد.

و مسافرت شاه به مصر را تنها در رابطه شخصی و دوستی انور سادات و شاه بررسی می‌نماید و در نمایشنامه وزیر امور خارجه نقش توطئه‌گرانه امپریالیسم آمریکا لاپوشانی می‌شود.

ولی خلق مبارز و قهرمان ایران به خوبی درک می‌کند که مسافرت شاه جنایتکار به مصر مسافرت یک بیماز در حال مرگ نیست بلکه مسافرت یک ضدانقلابی جنایتکار و کهنه کار است که از طرف ژاندارم آمریکا در منطقه یعنی هیئت حاکمه مصر به سرکردگی انور سادات دعوت گردیده است تا بتواند یکی از کانون‌های اصلی ضدانقلاب در منطقه را تقویت کند. تا بتوانند تمام ساواکی‌ها، فرماندهان مزدور ارتش و سرمایه‌داران فراری را در منطقه علیه خلق مبارز ایران و دیگر خلقهای منطقه بسیج کنند. ماسک انسان دوستانه امپریالیسم آمریکا و هیئت حاکمه مصر آن فضاحت باراست که حتی دلکتهای طرفدار حقوق بشر را نیز به خنده واداشته است.

و همزمان با آن فعالیت‌های یک مهره دیگر امپریالیسم، شاپور بختیار در منطقه تشدید می‌گردد و مسافرت‌های مشکوکی از طرف ژنرال‌های جلاد رژیم شاه در منطقه صورت می‌گیرد. و ایادی امپریالیسم در مناطق مختلف به‌ویژه در کردستان از طریق بسیج ارتش به جنگ افروزی جدیدی سرگرم‌اند. اینان هنوز خیال خام بازگشت سلطنت را در سر می‌پروراندند.

امپریالیسم آمریکا همزمان

با این اقدامات بودجه‌ای به مبلغ پنج میلیارد و دویست میلیون دلار به ناوگان عظیم خود در منطقه اختصاص می‌دهد، پایگاه‌های متعدد نظامی در عمان، سومالی، کنیا و ترکیه به دست می‌آورد، قراردادهای نظامی وسیعی با دولت دست‌نشانده پاکستان به امضاء می‌رساند و دولت سرسپرده عراق را وادار به تحریکات گسترده‌ای علیه خلق مبارز ما می‌کند. اینها گوشه‌ای از فعالیت نظامی امپریالیسم آمریکا در منطقه است ولی رشد و آگاهی خلق رزمنده ایران مانع از آن خواهد شد که امپریالیسم و

شاه از جانب آمریکا و از زبان ژاندارم آمریکا در منطقه یعنی هیئت حاکمه مصر به سرکردگی انور سادات دعوت گردیده است تا بتواند یکی از کانون‌های اصلی ضد انقلاب در منطقه را تقویت کند.

سرمایه‌داران وابسته به آن بتوانند زیر پوشش سیاستهای عوام‌فریبانه، مقاصد شوم خود را عملی سازند هر چند که امپریالیسم و سرسپردگانش به وقیحانه‌ترین حربه‌های موجود در زرادخانه سیاستهای ضد مردمی خویش بکوشند تا حقایق را برای توده‌ها وارونه جلوه دهند.

امپریالیسم آمریکا که از حرکت توفنده خلقهای منطقه به هراس افتاده است، سعی دارد که کانون‌های ضدانقلابی را در منطقه متشکل تر سازد. با چنین سیاستی است که کشتارگر خلقهای فلسطین، صحرای غربی و دیگر خلقهای جهان یعنی امپریالیسم آمریکا با تلاش فراوان مرتجع‌ترین و وابسته‌ترین رژیم‌های دست‌نشانده خود را در اسلام‌آباد برای به اصطلاح دفاع از خلق مسلمان افغانستان به دور هم جمع می‌کند.

دوستان امپریالیسم در شورای انقلاب دست در دست رژیم‌های خودکامه و دست‌نشانده منطقه نهاده و همگی با دستهای خونین از کشتار زحمتکشان کشورهای خود، قطعنامه اسلام‌آباد را که در تمام سطور آن منافع امپریالیسم مستتر است، امضاء می‌نمایند. درجائی که بادیه نشینان عربستان و زاغسه نشینان دیگر کشورهای شرکت کننده از ابتدائی تریس امکان‌ات انسانی محروم هستند میلیاردها دلار جهت خرید اسلحه آمریکائی در اختیار ضیاءالحق و شورشیان افغانستان گذارده می‌شود.

چنین اقدامات وسیع و گسترده‌ای از طرف امپریالیسم آمریکا تماما نشانه یک تهاجم خطرناک و پر دامنه علیه نیروهای انقلابی منطقه به ویژه خلق مبارز ایران است و همزمان با این تهاجم امپریالیسم، سرمایه‌داران مزدور ایران از موقعیت اجتماعی خود کوه در ارگان‌های سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی نفوذ دارند، برای پیشبرد اهداف خائنه خود بهره می‌گیرند آنان می‌کوشند تا تمام ساواکی‌ها را عفو نموده‌واز زندان آزاد کنند و برایشان شرایط مطلوب و مساعد فراهم کنند.

درجائی که تحصن بیکاران به خاطر کار، در اندیشک و دیگر شهرهای ایران به خون کشیده می‌شود، ساواکی‌ها آزادانه برای پاداش عیدی و حقوق جلوی نخست‌وزیری اجتماع می‌کنند.

این عناصر وابسته به امپریالیسم با کمک موقعیت اجتماعی خود می‌کوشند تا با اخراج و تصفیه نیروهای انقلابی در کارخانجات، ادارات و ارتش، زمینه تحکیم مدیران سابق و سران مزدور ارتش و عناصر وابسته به رژیم سابق را فراهم سازند.

مجموعه این عوامل که در درون کشور ما و منطقه توسط امپریالیسم صورت می‌گیرد، خطری بس جدی را نشان می‌دهد و در این برهه از زمان مسئولیت خطیری را به دوش می‌کند که با وحدت و محول می‌کند که با وحدت و تشکل و پیگیری خود، نقشه‌های شوم امپریالیست‌ها و سرمایه‌داران را خنثی نمایند.



مردم و مناظره تلویزیونی

یکی از صیادان می گفت:

این برنامه باعث شد که چشم و گوشم را واکنم و بینم دنیا دست کیسه؟

مناظره تلویزیونی سازمان ما با رئیس جمهور و دیگر مسئولان مملکتی در رابطه با جنگ تحمیلی گنبد، بحثها و اظهار نظرهای گوناگونی را برانگیختهاست. در زیر برخورد یکی از رفقای هوادار را در این زمینه با چند نفر از مردم شمال که در ایام تعطیلات نوروزی صورت گرفته است، می خوانیم. ما در آینده مجموعه این نظرات را همراه با همه پیشنهادات و انتقادات چاپ می کنیم.

می کردند. همه اینها در مجموع یکجور حرف می زدند. راست می گفتند، تلویزیون را می بردند محله به محله ترکمن صحرا، با مردم مصاحبه می کردند آن وقت می دیدیم چی به چی؟ آخه عوامفریبی هم حدی داره. مردم که غذا رو پستی تو دهن نگذاشتند. مسئله دو دو تا چهار تا ست. ما که بی سواد بودیم، فهمیدیم چه رسد به سواد دارها. آخه همیشه صبح تا غروب از در و دیوار دروغ بارونت کنند و تو متوجه نشی بالاخره یک روز می فهمی.

در تمام مدت اهل و عیالش دور و بر ما نشسته بودند. پسر بزرگش دم به دم به من چشم میدوخت و با لبخند مداومش حرفهای پدرش را تائید می کرد. وقتی حرف می زد، نشون می داد که از کجای دلش میگه. مرتب و منظم صحبت می کرد. نوزدن های استاندار بد جوری کلافه اش کرده بود. می گفت:

"فلاحی خیال می کرد تیمسار دوره شاهه. دیدی چه حوری هارت و هورت می کرد. وقتی که بنی صدر از اسلحه صحبت می کرد و می خواست رای گیری کنه، آنجاهم خوب پنهنش را زدند. گفتند که مگه ۹۵٪ به ادعای شما به بازرگان رای ندادن بودند؟ چطور شد که بازرگان، توزرد از آب درآمد. راست هم می گفتند. مگه یادمون رفته که چه جوری واسه بازرگان سر و دست می شکستند. ولی بعد چطور شد؟ همه دیدند چه جوری گندش درآمد."

به اینجا که رسید پسر بزرگش هم لب واکرد. از قضاوت معلم های مدرسه اش می گفت. از اظهار نظر بچه های کلاسش حرف زد. می گفت:

"رفقا میان بچه ها خوب گل کرده بودند. پدر می گفت: استاندار اول تو پیش خیلی پر بود. بعد دید، نه طرف هم پر زوره، بیهو بادش خالی شد. هرچه سعی کرد دیگر نمی توانست دوز برداره."

فرمانداری بود. هنوز رسمی نشده بود. دل پردردی داشت. خوش صحبت و همه فن حریف. بنی صدر را به نام نمی شناخت. موقع انتخابات ریاست جمهوری اسمش را از پسرش یاد گرفت و به او رای داد. از هر دری صحبت می کرد. می گفت:

اطلاعات عمومی همه کن بالا رفتند. از اجحافات فرمانداری می گفت. از قطع ۲۵۰ تومان اضافه حقوق ماهیانه شان می گفت که در دوره طاغوت بر حقوقشان اضافه شده بود و حالا می بایست تاوان پول های دریافت شده را بپردازند.

حرف به درازا کشید. به مناظره رسیدیم. برای دیدن برنامه به خانه همسایه بغل دستی رفته بود. ظرایف و دقیق مناظره را به دقت خاصی واری کرده بود. حتی نوز قرار گرفتن صندلی بنی صدر را در گوشه بی حساب نمی دید. می گفت:

"می خواست خودش را دولت بی طرف معرفی کند. می گفت:

"جنش خرده شیشه داره. رئیس جمهور مملکت نباید اینقدر دوسم زن باشه. جایی که می بایست جواب بده، ساکت بودو جایی که می بایست ساکت باشه، پارازیت می داد. من همان شب رایم را پس گرفتم. بقیه هم سر و ته یک کرباس بودند. دهن یکدیگر را نگاه

مختلفی می کردند. منم از فدائی ها طرفداری کردم. زنش می گفت: اشتباه کردند فدائی ها را پشت تلویزیون آوردند. مثل برنامه گل سرخی شد. می خواستند به نفع خودشون استفاده کنند ولی نشد. گمان نمی کنم دیگر از این کارها بکنن."

دبیر دبیرستان ها بود. در زندگی شخصی اش آدم خوش قلبی است ولی در زمینه سیاست همیشه گاهی به میخ می زد گاهی به نعل. ظاهراً همه کاره هیچ کاره است. این اواخر هم در انتخابات ریاست جمهوری به تیمسار مدنی رای داده بود. می گفت:

"دیدید چه بلائی به سر چریکها آوردند؟" گفتم:

"کی؟! - حکومت. البته چریکها هم بعضی جاها بد نمی گفتن. ولی برد با حکومت بود. اینو هر آدم عاقلی می دونه. - به همین خیال باش!"

سر چهارراه شهر غلغله بود زیر نم باران بحث سیاسی گل کرده بود. از جوانان ۱۸ - ۲۰ ساله گرفته تا آدم های ۴۰ - ۵۰ ساله به صحبت ایستاده بودند. مرد ۵۰ ساله ای که خرازی داشت با چهار دست و پا حرف می زد. بعضی وقتها هم ادای پدر بزرگها را در می آورد. می خواست وانمود کند خیلی حالیشه. می گفت:

"حالا بنی صدر همه حرفهاشو نزد. اگر می زد چه می کردید؟ اون خیلی زرنگه. به این سادگی دم به تله نمیده. جوان هم صحبتش می گفت: دیدیم چطوری افتاده بود تو هچل، هپی خود شو باد می زد هی عرق می کرد. حالش بد بود بدتر شده بود."

حدوداً ۵۰ ساله بود. با او به صحبت نشستیم. از سرزمین کشت و کار و برنج بود. بوی رنج می داد. ۲۸ سال مستخدم

سر مردم کلاه گذاشت؟ مگه میشه روی آفتابو گل مالی کرد؟" تاجائی که پادامه منادر همیشه از سازمان پشتیبانی می کرد ولی این دفعه به طور دیگه حرف می زد. موقع حرف زدن قند تو دلش آب می شد. مادراولین کسی بود که خبر پخش مناظره را به تک تک خانواده داده بود و از آنها خواسته بود که کارهای متفرقه را تا زمان پخش برنامه انجام دهند. می گفت:

راستی چرا بنی صدر اینقدر خودشو باد می زد؟ برنامه که تمام شد دلم شور افتاده نکنه سربچه ها بلائی بیارن.

شب بعد پیش یکی از صیادان محلی بودم. تا نیمه های شب کپ زدیم. ۱۵ سال بود ماهی می گرفت با قامتی بلند و ورزیده، بیاد آور کشاکش های تور و موج و پازو بود. از جنگ تحمیلی بندر انزلی می گفت، از کشتار تاریخی ماهیگیران بندر. از ظلم و ستمی که می شد و می شود گفت:

"اگر کمونیست ها بیان وضع بهتر میشه. گفتم:

"صد درصد. اگر اونها بیان، ظلم نیست، حق کشی نیست، بدبختی نیست."

"فدائی ها کمونیستند؟" - "آره" - "همشون؟" - "آره، همه شون"

می گفت: "تا قبل از برنامه تلویزیونی خیلی چیزها رو نمی دونستم. این برنامه باعث شد که چشم و گوشم را خوب واکنم و بینم دنیا دست کیسه؟" می گفتند یکی دیوار دیگر فدائی ها به تلویزیون آمده بودند ولی من ندیده بودم. فدائی ها اونشب حرف دلمو می زدند. فردا تو راسته "ماهی فروشان" از مشتری گرفته تا ماهی فروش از مناظره می گفتند. حرفهای جورواجوری زده می شد. قضاوت های

بالاخره من هم کفش و کلاه کردم و برای دیدن یار و دیار به سمت ولایت رفتم. در تمام مدت راه شوق و ذوقم این بود که با مردم ولایت به صحبت بنشینم. از هر چیز و همه کس بگویم. از سیاست و حکومت و سازمان، از بدو خوب. از هر چیزی که با خلق و منافع خلق نسبت دارد. از دوستان و دشمنان خلق، از سازمان های مترقی و انقلابی، از امپریالیسم امریکا.

بوی سرسبزی شمال را شنیدم. نم نم باران جان آرزومند درختان را می نواخت گسترده شالیزارهای زیرکشت زرفته، قامت مبارک برنج را در ذهنم زنده می کرد، هوا بوی خاک و شکوفه می داد.

ظهر بود که به خانه رسیدم. سرشار و سرمست، سرمست از همه پرده های گوناگونی که با آرم سازمان در تمام طول راهم بود. سرشار از فرهنگ سیاسی باروری که اکثریت مردم ولایت دارند. هنوز خستگی راه از تنم در نرفته بود که بحث سیاسی شروع شد. همانطور که حدس زده می شد، مسئله مناظره مسئله تازه ای بود. از گوشه و کنار اطاق اظهار نظرهای مختلفی می شد. از منادر و خواهر و دایی گرفته تا "کوچولو" ها. توی حرفهای یکدیگر می دویدند. بالاخره مادری زورش چربید:

"از اول غروب مردم پای لویزیون بودند. دل تو دل هیچکس نبود. خدا خدا می کردیم که برق خاموش نشه. استاندار که سر صحبت را واکرد

گفتم ای داد و بیداد بچه ها از پیش برنمیان. بعد صحبت که دور زد دیدم نه اینطور نیب. با عوامفریبی و دوزو لککش کاری از پیش نبرد.

اتفاقاً بدتر هم شد. پاک قافیه اباخته بود. بنی صدر هم وسط. عوا نرخ تعیین می کرد. هیچ کجای دنیا دیده نشده. رئیس جمهوری مملکت ۴ ساعت بنا مخالفینش صحبت بکنه. کسی نبود بنش بگه آخه مردم مسابی شق القمر که نکردی وظیفه ات را انجام دادی.

تیمسار که از دماغ فیمل افتاده بود، عینهورضاشاه، اشت زمین وزمان را به هم بی دوخت. همان بهتر که بیشتر حرف نزد. جریبان ساواکیه چی بود؟ می خواستند استخدامش کنند؟ این قسمتش قبلی خوب بود. اصلاً جواب نداشتند. همه هاج و واج شده بودند. مردم خودشون بهمیدند چی به چی. مگه میشه

آقای رئیس جمهور میگوید:

دولت باید شوراها را تشکیل بدهد

ما میگوییم:

دولت را باید شوراها تشکیل بدهند

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران
۵۸/۱۲/۱۸

زمین از آن کسانی است که روی آن کار می کنند

پیام جبهه خلق در بحرین به سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

در چهره‌تان مبارزینی انترناسیونالیست با سرشتی بولادین و ایمانی عمیق به حتمیت پیروزی انقلاب مشاهده می‌کردیم که هم‌چنین بهترین رزمندگان را برای نبرد به فلسطین و عمان گسیل داشتید تا آنجا که خون رفقای رزمندگان روایتی ناگسستنی میان انقلابیون ایران و عرب ایجاد کرد و این تجسم پیوندی بود در مقابل روابط خیانت‌آمیز شاه و رژیم‌های مرتجع عرب.

رزمندگان شما سمبل انقلابیون ایران بودند آنچنانکه در فداکاری و از خودگذشتگی درسها از شما آموختیم. نقش شما و نقش سایر سازمان‌هایی که با مبارزه رژیم دیکتاتوری مقابله می‌کردند حتی در هطن حالت آغازینشان در میان توده‌های خلقهای ایران غیرقابل انکار است. شما در انقلاب ایران جایگاه فراموشناشدنی دارید که این جایگاه را از راه فداکاری و مبارزه به دست آورده‌اید به همین دلیل در استمرار انقلاب ایران و حراست از آن و نیز تکامل آن نقش تعیین‌کننده‌ای دارید.

زنده‌باد سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
زنده‌باد مبارزات توده‌های خلقهای ایران و
انقلاب پیشتاز آن
زنده‌باد همبستگی مبارزاتی ایرانی-عربی

جبهه خلق در بحرین
۷ فوریه ۱۹۸۰
۱۹ بهمن ۱۳۵۸

رفقای رهبری سازمان چریکهای فدائی خلق ایران!

با درودهای انقلاب و مبارزه کمیت‌جراحی جبهه خلق در بحرین با مسرت تمام دهمین سالروز آغاز حرکت سازمان چریکهای فدائی خلق ایران را به شما و کادرها و پایگاههای سازمان و نیز به توده‌های قهرمان ایران تبریک می‌گویم به ویژه آنکه این روز مصادف است با نخستین سالگرد سقوط دیکتاتوری و پیروزی انقلاب.

بی‌شک رزمندگان و مبارزین فدائی خلق با فداکردن خون خویش راهگشای مبارزه‌ای بوده‌اند که کمتر کسی تصور می‌کرد با گذشت ۹ سال از آغاز مبارزه مسلحانه، چنین پیروزی بزرگی نصیب خلقهای ایران می‌شود.

شما همچون شراره‌ای در قلب تیرگی و همچون نقطه امید برای خلقتان در قلب ناامیدی کشنده بودید و ضربات کوبنده شما علیه ابزار سرکوب وحشیانه، انبوهی از امید برای مردم تحت ستم و دیکتاتوری ایران بود.

رزمندگان فدائی خود را سوخت مایه آن آتشی قرار دادند که انقلاب را افروخت و همراه سایر انقلابیون راستین با سرسخت‌ترین رژیم‌های دیکتاتوری مورد حمایت امپریالیسم امریکا (سرگروه امپریالیستی) جنگیدند و طی این نبرد نقاب از چهره رژیم برداشته، بنیان آن را به لرزه درآوردند و آنگاه که شرایط رستخیز توده‌ها فراهم شد رژیم استبداد و دیکتاتوری را درهم کوبیدند و ریشه سلطه امپریالیسم امریکا را به لرزه درآورد. آنگاه که شما با دیکتاتوری شاه نبرد می‌کردید، ما همواره

خاطره قاضی محمد ویارانش را گرامی داریم

در سپیده دم دهم فروردین سال ۱۳۲۶ رهبران و پایه گذاران جمهوری ملی و دمکراتیک کردستان، قاضی محمد، سیف قاضی و صدر قاضی در میدان شهر (میدان قاضی محمد کنونی) مهاباد به دست دژخیمان رژیم ضد خلقی شاه به دار آویخته شدند و سنت انقلابی شهادت در راه آرمان خلق را پاسداری نمودند.

خلق زحمتکش و مبارز کرد، که سالیان دراز از سلطه خفقان بارشاهی و ستم و انقیاد ملی و طبقاتی رنج می‌برد، در سال‌های پسران شهریور ۲۵ دوش بدوش دیگر توده‌ها و خلقهای مبارز و انقلابی میهن، به عرصه مبارزه فعال ملی و طبقاتی پای نهاد. در این مبارزه سهم ارزنده و بارز قاضی محمد و دیگر انقلابیون دمکرات و مبارزین سازماندهی و هدایت مبارزه خلق زحمتکش کرد و اعتلای سنت‌های مبارزه دمکراتیک و ترقیخواهانه در جامعه شایان توجه است.

پیکار دمکراتیک و ملی در کردستان به رهبری قاضی محمد، بخشی از جنبش ضد امپریالیستی و رها بیخ‌ش توده‌های سراسر ایران بود. رژیم ضد خلقی شاه دژها ساز گسترش چنین مبارزاتی (که ابعاد دمکراتیک مبارزه سراسری در ایران را گسترش می‌داد)، بود، با اطلاق تجزیه طلبی به آن، آن را مورد تهاجم و سرکوب قرار داد.

خاطره مبارزه و شهادت قاضی محمد و یارانش با سنت‌های مبارزاتی خلقها و به ویژه خلق زحمتکش کرد گره خورده و با زندگی و فرهنگ آنها عجین شده است. شهدای خلق همواره در فرهنگ انقلابی خلق جاوید خواهند زیست.

گرامی باد یاد شهدای
به خون خفته خلق

معرفی دو مجموعه از ترانه سرودهای کارگاه هنر ایران



۱- سرودهای بند (شماره ۱۵)

الف: عشق - آتش - بهار
خلق - ما با بیا - خورشید
انقلاب - آرمان خلق

ب: موزیک تنهای سرودها

۲- اولین مجموعه از سری
آهنگ‌های اجرا شده در جشنواره
موسیقی خلقها (شماره ۱۷)

موسیقی خلق لر به مناسبت
بزرگداشت سالروز قیام
۲۲ بهمن و حماسه سیاهکل
به آرم کارگاه هنر ایران روی
جلد و روی نوار توجه کنید.



اعتراض گروهی از دانشجویان ایرانی در آمریکا

به کشتار فجیع خلق ترکمن

۱۳۰۸ / ۱۲ / ۱۰۰

دفتر ریاست جمهوری اسلامی ایران

ما دانشجویان انجمن دانشجویان خود را از کشتار وحشیانه خلق ترکمن به نوبه نبرد چهار تن از رهبران ستاد مرکزی خلق ترکمن که به شیوه ساواک صورت گرفته و یادآور شهادت ۹ رزنده در رقم سابق است اعلام می‌داریم. بی‌شک خلق ایران با طمانندگی که با سکوت و عمل در معقب و مجازات سبب، تکرار چنین فجایعی را باعث نموندند مسئول واقعی این جنایات می‌اند ما خواستار معرفی و مجازات هر چه مستحقتر طراحان و مجرمین این جنایات هستیم.

سازمان دانشجویان ایرانی در ایالات آمریکا

ISA-CU
P. O. BOX 2638, STR. X
CHAMPAIGN, IL 61820

رونیت به:

- ۱- سفارت جمهوری اسلامی ایران در واشنگتن آمریکا
- ۲- ستاد مرکزی خلق ترکمن
- ۳- کانن زنده انبیا سیاسی ایران
- ۴- کانن نویسندگان ایران
- ۵- روزنامه اطلاعات
- ۶- روزنامه کیهان
- ۷- روزنامه مباداد
- ۸- روزنامه انقلاب اسلامی
- ۹- روزنامه جمهوری اسلامی
- ۱۰- نشریه "پیکار"
- ۱۱- نشریه "جهاد"
- ۱۲- هفته‌نامه "جنبش"